

هشدار!

(...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

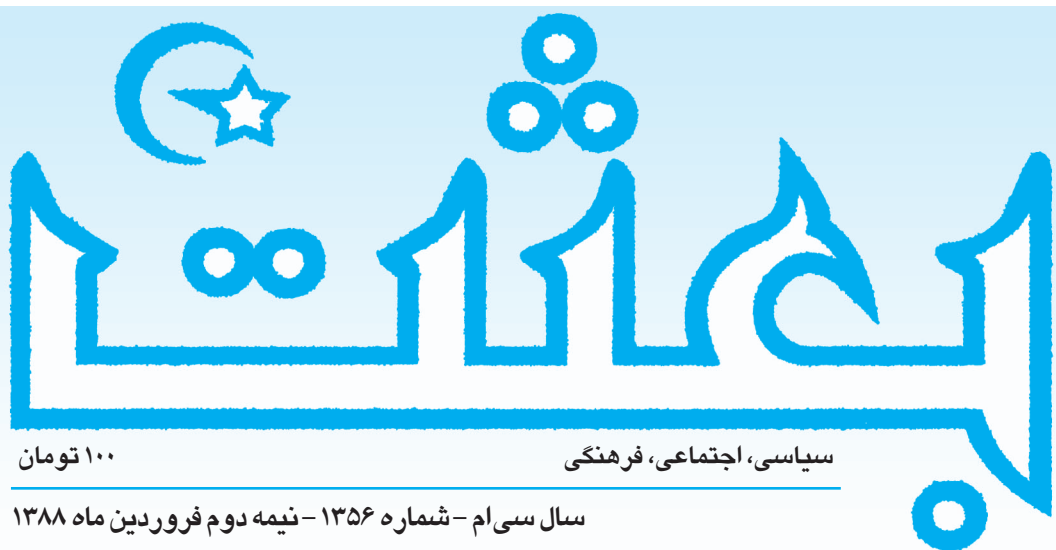
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...

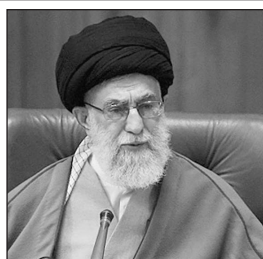
امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



۱۰۰ تومان

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

سال سی ام - شماره ۱۳۵۶ - نیمه دوم فروردین ماه ۱۳۸۸



رهبر معظم انقلاب با اشاره به تلاش
استکبار برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان:

ما در شناخت عامل
اصلی تفرقه، خطا
نخواهیم کرد

صفحه ۷



تجلیل و بزرگداشت
مرحوم حجت الاسلام
والمسلمین «حسین
ایرانی» در قم

صفحه ۱۲

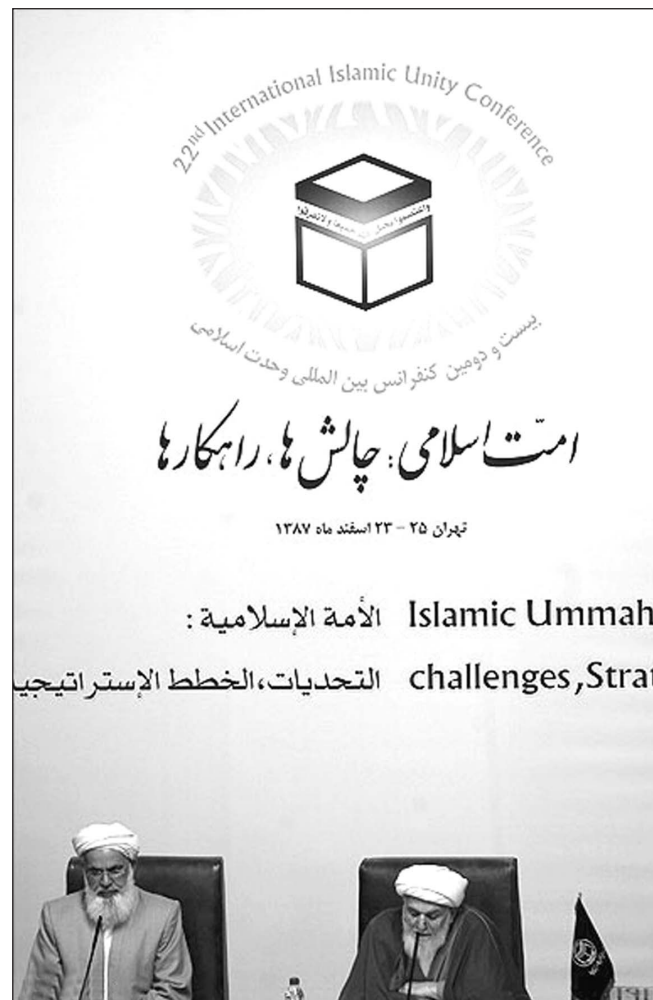


سخنانی که
پایه گذار
حکومت شد

صفحه ۱۰

مورخ بر جسته، معلم توانا

صفحه ۲



در گفتگویی با مرکز
خبر حوزه علمیه قم:

آیت الله تسخیری دستاوردهای کنفرانس وحدت را تشریح کرد

صفحه ۶

حضرت معصومه؛ زینب ثانی

ترتیب دسترسی به امام هشتم (ع) بسیار مشکل و حتی غیر ممکن شد و مردم مجبور بودند از طریق عوامل حکومتی خبرهای مربوط به ائمه را دریافت کنند.

نقش حضرت معصومه (س) در مبارزه با حکومت بنی عباس

همان گونه که می دانید، امامان معصوم دارای خواهران دیگری هم بوده اند، پس چه دلیلی دارد که در میان همه آنان، حضرت زینب و حضرت معصومه (س) دخت گرانقدر امام موسی بن جعفر (ع) با ابعاد متفاوت، همان ویژگی سفر حضرت زینب را در بر دارد و در آن مرحله از تاریخ، حضرت معصومه (س) همان رسالتی را به عهده داشت که حضرت زینب (س) بعد از ماجرای خونین کربلا عهده دار آن شده بود. زیرا در آن روزگار، ظلم و خفقان دستگاه بنی عباس در همه جا سایه افکنده بود و حضرت معصومه و برادرش احمد بن موسی و چند تن از خواص دیگر، تنها شخصیت هایی بودند که از توطئه نظام بنی عباس آگاهی داشتند و عواقب چنین توطئه ای را هم پیش بینی می کردند.

بقیه در صفحه ۹

فاسد و خودسران کشور بوده است؛ همان حکام جباری که قرآن از آنان به نام مترف و مستکبر یاد می کند. به طور کلی علت اصلی علاقه ایرانیان به خاندان امامت، فطرت عدالت خواهی آنان و عادل بودن ائمه اظهار بوده است. البته علاقه ای که ریشه هزار ساله دارد، به دور از عوامل سطحی و زودگذر است. حکومت بنی عباس نیز از وجود این علاقه با خبر بود و می دانست که خبر اسارت امام موسی بن جعفر (ع) خشم مردم ایران را علیه حاکمان جبار بنی امیه و بنی عباس بر انگیزد و امکان دارد که ایرانیان دست به قیامی همه جانبه بزنند و حکومت بنی عباس را سرنگون کنند. از این رو، در پی چاره جویی برآمدند و از آنجا که با رشادت های ملت ایران آشنا بودند، شمشیر را چاره کار ندانستند و نقشه ولایتعهدی (اجباری) امام علی بن موسی الرضا (ع) را مطرح کردند. با این ترفند موزیانه هم خطر قیام مردم ایران را از میان بردند و هم امام هشتم را تحت نظر گرفته و رابطه مردم با ایشان را قطع نمودند. به این

اسلامی، از ابراز علاقه خود به آنان خودداری نمی کردند. در این میان عده ای بر این باورند که این علاقه به دلیل ازدواج امام حسین (ع) با دختر یزدگرد سوم است، اما شواهد تاریخی نشان می دهند که این علاقه ریشه الهی دارد.

نقل شده است زمانی که آیه:
«أَن يَشَاءَ يَذْهَبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ الْآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَٰلِكٍ قَدِيرًا»
ای مردم اگر خداوند بخواهد می تواند شما را از این دنیا ببرد و قومی دیگر را جانشین شما سازد و خداوند بر این کار قادر است.
بر پیامبر نازل شد، آن حضرت دست بر شانه سلمان فارسی گذاشت و فرمود:
«آنان هموطنان سلمان هستند.»
در حقیقت پیامبر اسلام با این سخن، آینده ملت ایران را پیش بینی نمود و وظیفه خطیر آنان را گوشزد کرد.

دلیل دیگر علاقه ایرانیان به اهل بیت، عدالت خواهی فطری ایرانی ها و بی عدالتی پادشاهان

در سال ۲۰ هـ. ق. یک سال پس از سفر تبعید گونه حضرت رضا (ع) به «مرو» حضرت فاطمه معصومه (س) همراه عده ای از برادران خود برای دیدار برادر و انجام رسالتی که بر عهده داشتند تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد.

تاریخ گویای این حقیقت تلخ است که حکومت بنی امیه و بنی عباس، هر دو از دشمنان قسم خورده نبوت و ولایت بودند و این کینه توزی با اسلام ناب را با جنایات مختلفی نشان می دادند. با این تفاوت که این نظام جبار بنی امیه به شکلی علنی، شمشیر برهنه ای شده بود و قلوب خاندان ولایت را می شکافت و در نشان دادن این جنایات آن چنان اصرار می ورزید که دیگر حتی پدر، جرأت نداشت به فرزند خود بگوید که از نسل اولاد علی (ع) است.

اما شیوه حکومت بنی عباس، ظاهری آرام و باطنی کینه توزانه و خصمانه داشت و بعضی اوقات مردم نیز تحت تأثیر این گونه رفتارهای منافقانه قرار می گرفتند.

مردم ایران در آن روزگار علاقه وافری به خاندان ولایت و اهل بیت داشتند و حتی با وجود حاکمیت استبداد عباسی در قلمرو



مورخ برجسته، معلم توانا

به مناسبت بزرگداشت جایگاه علمی استاد علی اصغر فقیهی در انجمن آثار مفاخر فرهنگی



استاد فقیهی علاوه بر کتاب، مقالات متعددی در زمینه شعر و ادب و تاریخ و دستور زبان فارسی و سرگذشت رجال در مجله‌های راهنمای کتاب، جلوه، رشد و ادب فارسی، کیهان فرهنگی، محیط ادب، قم امروز، فرهنگ کوثر، نامه قم، رواق نور، آئینه میراث، بخارا، درس‌هایی از مکتب اسلام، و در سایر نشریات و دانشنامه‌ها و سالنامه‌ها به چاپ رسانده است که هر یک از این مقاله‌ها از «از لهجه قمی تا اصالت فرهنگی» و «چگونگی نوشتن همزه» گرفته تا «کلمه صحیح» و «کلمه مشروط» و «سرگذشت رجال»، نشان از پختگی و غور عمیق وی در متون فارسی و عربی دارد. به رغم خلق این همه آثار فخیم، آنچه وی را در میان اهل عالم و ارباب فضل، چهره‌ای مقبول و ستودنی ساخته است بزرگواری و منش انسانی و پرهیزگاری و پشت پا زدن به مسائل دنیوی است. او خود را وقف تدریس و تربیت جوانان کرد. به مردم عشق ورزید. صادق بود و ساده زیست و این‌گونه بود که در دل اهل فضل جا گرفت و در هر محفل و مجلسی، به احترام تمام از او یاد شد.

«انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» نیز ضمن سپاس و ارج نهادن به خدمات علمی این دانشی مرد، امیدوار است راه و منش انسانی و علمی وی الگوی مناسبی برای جوانان فرزانه و علم دوست کشورمان باشد.

دکتر محمدرضا نصیری --- قائم مقام انجمن

آثار و مفاخر فرهنگی

کارنامه فرزانه‌ای از زمانه

سیدحسین رضوی برقعی

برای من که متاسفانه، تنها شش سال پایانی عمر استاد فقیهی را (۱۳۸۲ - ۱۳۷۶) با ایشان همنشینی داشته‌ام، هنر نگاشتن تصویری دقیق از زندگی ایشان برایم ناممکن است. تنها به رسم حق‌شناسی و به جای آوردن فریضه شاگردی است که گستاخی کرده و یادداشتی را می‌نگارم که بازتابی اندک از زوایای زندگی فرهنگی اوست. استاد فقیهی به راستی سبکبار زیست، آسوده از وبال مال و تعلق خاطر و دل‌بندی فرزندی داشتن. سبکبار از این سرای رخت برپست و از میان جمع خویشان و دوستان برفت. در بستر خاک، آرام بخفت و از نام و منش نیکش باید گفت، چندان که آموزگار بزرگ ایرانیان، سعدی شیراز، به ما آموزانیده است:

نام نیکی گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار

این همه هیچ است چون می‌بگذرد تخت و بخت و امر و نهی و گیر و دار

نام استاد از سه دیدگاه منش و پژوهش و پرورش، نگریرستنی است. منشی داشت عارفانه و آزادانه، و وارسته بود از تعلقات دنیایی آزمندانه. کمتر احساس می‌کردی، تلاشی برای اندوختن مال و نام و نان داشته باشد. حتی پی‌جوی شهرتی فرهنگی نبود که از راه تالیف و ترجمه به دست می‌آید. آنچه می‌نگاشت به درخواست و سفارش دوستان بود، نه به چشمداشت دستمزد پول‌گونه آن. شاهد بودم روزی دکترحسین شهیدزاده از استاد پرسید: «قاعدتاً باید از چاپهای متعدد ترجمه

ایران اسلامی بود و بس. این روحیه پرصلابت فقیهی، ما را به یاد این ابیات ادیب نیشابوری می‌اندازد:

همچو فرهاد بود کوه کنی پیشه ما

کوه ما سینه ما ناخن ما تیشه ما

بهر یک جرعه می‌منت ساقی نکشیم

اشک ما باده ما دیده ما شیشه ما

شور شیرین ز بس آراست ره جلوه‌گری

همه فرهاد تراود ز رگ و ریشه ما

عشق شیری است قوی پنجه و می‌گوید فاش

هر که از جا گذرد بگذرد از بیشه ما

از جمله کارهای در خفا مانده ایشان که خود

نیز چندان رغبتی به برملا شدن آن نداشت، تحریر

دوباره و سره‌نویسانه «رساله عملیه» آیت‌الله

بروجردی بود که با قلم روان استاد فقیهی در

دسترس عامه مردم قرار گرفت. اما این آثار ارزنده

که چون فرزندان به جان نشسته وی بودند، او را

مغرور نکرد. سلوک علمی و تواضع و فروتنی

همچنان در رفتار و کردار او موج می‌زد. پرکار

بود اما بی‌توقع، قانع بود و بی‌نیاز، و اهل قلم و

رقم. مدام می‌خواند و می‌نوشت. عشق به

فراگرفتن، که از دوران کودکی در نهاد او شعله‌ور

بود، از او مردی ادیب و مورخی دانشمند ساخت

که آثار جاودانی خلق کرد. «عهدنامه مالک‌اشتر»

را به فصاحت تمام، در سال ۱۳۴۱ش، ترجمه

نمود. «راه خداشناسی» را که ترجمه‌ای بود از

توحید مفضل، در همان سال به کوشش

کتابفروشی علامه قم به بازار نشر روانه ساخت و

عمق او به نهج البلاغه وی را بر آن داشت که به

ترجمه آن همت گمارد و سرانجام، پس از پایان

ترجمه (در سال ۱۳۷۴ش)، از طریق انتشارات

صبا، در تهران، به چاپ رساند. ترجمه ایشان از

نهج البلاغه چنان مورد استقبال عالم و عامی قرار

گرفت که در کوتاه‌ترین مدت به چاپ سوم

(۱۳۷۷ش) رسید.

استاد فقیهی در زمان تدریس دروس ادبیات،

نیاز دانش‌آموزان را به کتابی که بتواند دستور زبان

فارسی را به روشی بیاموزند، احساس کرده بود و

از این رو کتاب «دستور زبان فارسی» را در سال

۱۳۴۶ توسط مطبوعاتی حکمت در قم به چاپ

رسانید. این اثر نیز مورد توجه قرار گرفت و در

سالهای بعد، با اصلاحات و تجدیدنظر، چاپ

سوم آن از سوی انتشارات اسماعیلیان (۱۳۵۲ش)

انتشار یافت.

دانش‌آموزان چنان رفتار پدران و عاطفی برقرار می‌کرد که همه در حیرت بودند و آن‌قدر به شاگردان خود عشق می‌ورزید که گفته شکسپیر در تجسم انسانیت او صادق بود: «خود را آخرین کس دوست بدار و آنها که از تو نفرتی در دل دارند، دل‌هایشان را شاد کن.»

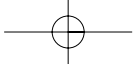
این انسان پارسا و پرهیزگار، ادب دوست و ادب‌پرور در هر فرصتی که به دست می‌آورد، آموخته‌های خود را به نسل حاضر منتقل می‌کرد. اولین بار مقالاتی در زمینه مسائل تاریخی، اجتماعی و دینی در روزنامه‌های استوار و جلوه به چاپ رسانید. زمانی که اداره فرهنگ قم تصمیم گرفت کتابی با عنوان «قم را بشناسید»، تدوین کند، از استاد فقیهی برای همکاری دعوت کرد و استاد فقیهی بخش تاریخی قم را به عهده گرفت و انصاف باید داد که این نوشته در کنار نوشته دیگر بزرگوارانی چون حسین کریمان، حسین وفایی و علی‌اکبر شهابی از آثار ماندگار در مطالعات قم‌شناسی محسوب می‌شود.

علاقه وافر استاد به تاریخ و مطالعه عمیق وی در این زمینه، موجب تالیف کتابهایی چون «شاهنشاهی عضدالدوله دیلمی» (۱۳۴۷ش)؛ «تاریخ مذهبی قم» (۱۳۵۰ش)؛ «وهابیان» (۱۳۵۳ش) و اثر بی‌بدیل وی «آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان» (۱۳۵۷ش) شد. انصافاً این تعلق خاطر فراوان در پدید آمدن تالیفاتی از این دست سخت موثر افتاد، خاصه کتاب آل‌بویه که با نثری شیرین و ساده و روان به بررسی و تحلیل مسائل آن عصر پرداخته و با شیوایی هرچه تمام‌تر بیان داشته است و در نتیجه با اقبال بیشتری روبه‌رو شد و انصاف می‌باید داد که تا امروز اثری چنین پرمایه که متکی بر منابع دست اول باشد، نوشته نشده است. استاد فقیهی توانست در این اثر از حکومت ایرانی شیعه‌مذهب (آل‌بویه) که در پی کسب استقلال و مجد و عظمت ایران بود، و آن‌قدر قدرت داشت که در عصر خویش وحشتی در دل خلفای عباسی بیندازد، به استادی و با ظرافت تمام و با زبان ساده و شیرین، جذاب‌ترین موضوعات این دوره را بیان کند. این اثر، پس از انتشار، مورد نقد و بررسی قرار گرفت و منتقدان به تحلیل محتوایی آن پرداختند و عده‌ای به نوش و نیش سخنها گفتند؛ اما این اثر در میان اهل علم و تاریخ تأثیر خود را برجای گذاشت.

هدف فقیهی از نوشتن، خدمت به فرهنگ

تاریخ ایران سرگذشت نیاکان ما و سرگذشت پرفراز و نشیب انسانهای والایی است که در بلندای قامت فرهنگ و تمدن سرزمین خود در عرصه علم و ادب سهمی داشته‌اند. آنان با تلاشی بی‌وقفه و با آثار ماندگارشان به وطن خود خدمت کردند، یکی از آن رادمردان عرصه علم و فرهنگ «استاد علی اصغر فقیهی» است. استاد در سال ۱۲۹۲ش در محله آلوچو در خانواده‌ای روحانی در قم زاده شد. پدرش، مرحوم ابوالحسن فقیهی، از مدرسان علوم دینی بود. علی اصغر را در پنج سالگی به مکتب خانه سپردند و در ده سالگی به مدرسه علوم دینی پا گذاشت و نزد پدر و عمویش، شیخ احمد فقیهی، در مدرسه جهانگیرخان، به فراگیری علوم دینی پرداخت و در حوزه علمیه دروس طلبگی را تا «دوره سطح» گذراند و سپس در سال ۱۳۱۵ش وارد دانشگاه تهران شد و در رشته ادبیات، به تحصیل پرداخت. در دانشگاه از محضر استادانی چون میرزاحممد شهابی، بدیع‌الزمان فروزانفر، نصرالله فلسفی، عبدالعظیم خان قریب و احمد بهمنیار کسب فیض کرد. این جوان جویای علم، با تلاش بی‌وقفه از لحظه‌لحظه‌های عمر خود در فراگرفتن نکات باریک علم و دقایق ظریف ادبی غافل نماند و چنان شد که نور چشم استادان گردید. پس از فراغت از تحصیل دانشگاهی در سال ۱۳۱۹ش در دبیرستان حکیم‌نظامی به تدریس دروس ادبیات، تاریخ و جغرافیا و عربی پرداخت و به دعوت مرحوم شهید بهشتی در مدرسه دین و دانش که به همت ایشان در سال ۱۳۳۳ش تأسیس شده بود، در امر تدریس همکاری کرد. سرانجام پس از سی سال معلمی، حرفه‌ای که عاشقانه بدان دلبسته بود، در سال ۱۳۵۰ش سبک دوش (بازنشسته) شد. اما استاد شفیفته تدریس بود؛ از این رو، مدتی نیز در دبیرستان علوی تهران، یعنی تا سال ۱۳۵۸ش، به تدریس پرداخت. توان علمی وی در زمینه‌های مختلف چنان بود که از وی صاحب‌نظری زیردست ساخته بود. به جهت سیروسیاحت در کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی تجربه‌ها آموخت و سفر به دور دنیا از منظر فقیهی، تجربه آموختن و آشناشدن با جنبه‌های دیگری از فرهنگ و تمدن بود. او آموخته‌ها و دیده‌ها و شنیده‌های خود را با نثری ساده و روان به صورت مکتوب درآورد که حاصل آن گشت و گذارها و کتاب «حج آن‌طور که من رفتم» و «سفرنامه آفریقا» به قلم تحریر درآمده است. استاد فقیهی پس از یک عمر تعلیم و تعلم، سرانجام در دوم آذرماه ۱۳۸۲ش درگذشت و جامعه علمی را به سوگ خود نشاند؛ عالمی که با آثار و زین خود در پهنه تاریخ و ادب فارسی عمری را سپری کرده بود، اینک با آثار ماندگار، شهره آفاق گشت.

استاد به معنای واقعی معلمی دلسوز بود و گشاده‌رو به تدریس عشق می‌ورزید و بر این فن شریف فخر می‌ورزید. تدریس در دبیرستان را به تدریس در دانشگاه ترجیح می‌داد و به همین دلیل بود که وقتی استاد معین برای تدریس در دانشگاه از وی دعوت به عمل آورد، نپذیرفت و حضور خود را در دبیرستان موثرتر دانست. او با



تصمیم‌شان رویگردان کند. برخی خانواده‌ها بوده‌اند که تا سه نسل، شاگردی او را کرده‌اند. اینکه استاد با آنچه باور داشت، زندگی می‌کرد، او را از بسیاری همانندان فرهنگی‌اش جدا کرده بود. آنچه مرا به پذیرفتن زنده‌ماندن نام و یاد استاد فقیهی وادار می‌کند، روان زنده اوست که با دنیادوستی و گناه نمرده و هرگز نخواهد مرد. نام فقیهی برجای خواهد ماند. او پاک و معصوم زیست و بیش از آن مظلومانه، روزهای پایانی را سپری کرد. همچنان شکیبا بود و استوار و گلایه‌ای نمی‌کرد؛ ولی مگر نه آن است که «الدنيا سجن المومن»؟ این دنیا به راستی برای چون‌اویی زندان بود؛ ولی چون بسیاری زندانیان، اندوهناک نبود و ترش‌روی.

معرفی تفصیلی برخی تاریخی نگاشتها

برای آشنایی بیشتر، چند اثر ایشان که بیشتر ویژگی تاریخ‌نگاری دارد، گسترده‌تر معرفی می‌شود.

شاهنشاهی عضدالدوله: این کتاب که چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل‌بویه را بازگو می‌کند، نخستین بار به سال ۱۳۴۷ منتشر شد و همان سال برنده گردید، پایه‌ای بود برای پژوهشهای ژرف‌تر ایشان که به تالیف کتاب ارزشمند «آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان» انجامید. او کتابش را به دوازده بخش رده‌بندی کرده؛ ولی مندرجات آن، چنان‌که در آغاز کتاب برمی‌شمارد، دربردارنده دو قسمت بنیادین است: یکی چگونگی فرمانروایی عضدالدوله و امتیازات و خصوصیات او، و دوم تحقیقی مختصر درباره اوضاع اجتماعی و اداری و آداب و رسوم معمول در ایران در سده چهارم هجری که مقارن سلطنت آل‌بویه و فرمانروایی این پادشاه است.

آنچه ایشان در مقدمه کتابها و طی جلسات خصوصی، پیوسته بدان تاکید داشته‌اند، آن بود که از منابع دست اول استفاده شود و البته از زبان اصلی که جداً به آن مقید بودند. ضمناً پانویست صفحات بیشتر آثار ایشان، پیوسته براساس ذکر منابع و شماره جلد و صفحه است. از این رهگذر بود که به کتابهای معاصر -چه فارسی و چه عربی و چه زبانهای اروپایی -کمتر توجه می‌کردند. نظر به اینکه تحصیلات گسترده‌ای در ادبیات کهن عربی، در حوزه علمیه قم داشتند و آموزش دانشگاهی -ادبی رازیر نظر اساتیدی چون محمود شهابی، بدیع‌الزمان فروزانفر و احمد بهمنیار گذرانده بودند، مشکل پارسی‌دانی و عربی‌دانی متون کهن را نداشتند که بیشتر پژوهشگران جوان امروزی دارند.

نکته دیگری که استاد فقیهی بدان پای می‌فشردند، آن بود که ناگفته‌های زندگی اجتماعی مردمان آن روزگاران را بازگویند و از پراگویی و تکرارنویسی خسته‌کننده تاریخ‌نگاری پیرامون شاهان، گریزان بودند که صرفاً به تاریخ تولد و مرگ و لشکرکشی‌ها محدود شده باشد.

آل‌بویه(اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر): این کتاب برجسته‌ترین کار ایشان است که در سال ۱۳۵۷ نشر صبا منتشر کرد. گرچه تاریخ‌پژوهان با کتاب آشنایند؛ ولی به لحاظ تقارن زمانی انتشار آن با جریانات سیاسی آن روزگاران، کمتر به معرفی آن پرداخته شد و ارزشهای علمی آن از نظرها دور ماند. آرایه کتاب و پیشینه تخصصی ناشر کتاب نیز در ارزش بخشیدن به یک اثر، بسیار تاثیرگذار است و برای پژوهشگران یکی از ملاکهای ارزشمندی آن به شمار می‌رود. گمنام‌گرایی علی‌اصغر فقیهی، چه از جنبه گرایش نداشتن به درج نام موسسات

نیک درنگ کردن در گفته‌های دیگران از ویژگیهای بارزشان بود. بسیار کم‌نوش و کم‌خوراک و بسی ساده‌پوش و بی‌آلایش بودند. به یاد ندارم که در مهمانی، یک میوه را کاملاً خورده باشند و غذایشان نیز به اندازه کف دست بود. شاید صحت جسمانی و دقت ذهنی و نور درونی ایشان، وابسته به همین نکته بود که: «اندرون از طعام خالی دار/ تا در او نور معرفت بینی»

با اینکه استاد را هرگز فرزندی نبود، نه دیدم و نه شنیدم لب به شکوه گشوده و اظهار تأسف و حسرتی داشته باشند. روزی به ایشان گفتم: «خدا دوستان داشته که دل‌نگرانی فرزندان ظاهری را از شما دور داشته و در برابرش فرزندان ماندگارتری از خود به جای گذاشته‌اید که همانا آثار نگارشی شما هستند.» به راستی باور دارم نام و نگاشته‌های ایشان بر صفحه روزگار باقی خواهد ماند و مصداق «باقیات صالحات» خواهد بود. آنان که «آل‌بویه» استاد را دیده‌اند، تایید می‌کنند این اثر برای ماندگاری نام علی‌اصغر فقیهی کافی است. دهها مقاله و کتابی که طی سالیان دراز، پیرامون قم و قمی‌ها نوشته‌اند، نام ایشان را در قم‌شناسی و تاریخ قم از ذهنها نخواهد زدود.

استاد فقیهی آرموده‌ای بیش از پنجاه سال آموزگاری داشت. می‌گفت: «در همه سالهای معلمی، دانش‌آموزی را تنبیه نکردم.» سختگیری ایشان محدود به مرزهای دانش‌آموزی شاگردان بود. می‌خواست دانش‌آموز را به دانشجو بدل کند. برخی می‌گفتند: «استاد، گاه در طول یک سال تحصیلی، موفق نمی‌شدند مقدمه گلستان را به پایان برند؛ چون واژه به واژه‌اش را موشکافی می‌کردند.» گرچه کند پیش می‌رفتند؛ ولی ژرف می‌کاویدند. نسل امروزی باید تنها دلش را با خاطرات آموزگاری دیرانی چون استاد فقیهی دلخوش کند که یافتن این گونه معلمی در این روزگار، تقریباً به افسانه بیشتر مانند شده است.

در سال ۱۳۴۵ بود که دکتر محمد معین برای دریافت حکم دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ایشان پیگیری می‌کردند؛ ولی فقیهی تدریس در دبیرستانهای قم را بر استادی دانشگاه تهران ترجیح دادند. حضور استادان پژوهشگری که بعداً از ناموران عرصه ادبیات ایران به شمار آمدند، دبیرستان حکیم نظامی سالهای ۱۳۵۰- ۱۳۲۰ را عملاً به شاخه‌ای از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تبدیل کرده بود. نام استادانی چون دکتر حسین کریمان، دکتر بهرام فره‌وشی، دکتر امیرحسن یزدگردی، دکتر مظاهر مصفا، دکتر حسین بحرالعلومی، دکتر حسن سادات ناصری و دکتر محمدمامین ریاحی، زینت بخش تاریخ آموزش و پرورش قم و دبیرستان حکیم نظامی در سالهایی است که استاد فقیهی را در خود داشت. ثمره‌های این درخت بارآور در سراسر ایران، هر یک خود درختی سترگ شده است.

بسیاری از بزرگان دانش و ادب در ایران و برون ایران، از جمله دست‌پروردگان مکتب علی‌اصغر فقیهی‌اند. بارها در برق نگاه استاد می‌دیدم که به شاگردانش می‌بالد و می‌نازد. وقتی از دست پروردگانش سخن می‌گفت که در دانشگاههای ایران و فرایران و در جای‌جای جهان پراکنده بودند، لحظه‌ای احساس می‌کردی از فرزندان خویش یاد می‌کند. گاه از لابلای گفتارش درمی‌یافتم زندگی دانش‌آموزان پر استعداد را پی می‌گرفته که مبادا از تحصیل بازمانند. گاه وساطت می‌کرد تا پدرانی که پسران‌شان را از مدرسه رفتن بازداشته‌اند، از

کنی.» پذیرفتم. باز می‌گفتند: «دانشجو که بودم، شبها در یک دفتر اسناد رسمی در تهران می‌خوابیدم که روزها برای گذران معاش در آنجا کار می‌کردم. چه شبها که گرسنه خوابیدم و چیزی برای خوردن نداشتم!»

استاد فقیهی هیچ‌گاه نخواست سختی‌های دوران کودکی و جوانی را با لذتهای افراطی از ذهنش بزداید و جبران مافات کند. می‌دیدم هیچ‌گاه در برابر دارا و ندار، برخورد دوگانه خط کشی شده مشخصی نداشتند. به همان شیوه‌ای که با بالاترین اساتید دانشگاهی برخورد می‌کردند، با کودکی چهار ساله یادستفروش کنار خیابان رویارو می‌شدند. حتی واژه‌ها و اصطلاحاتی که به کار می‌بردند، چندان تفاوتی نداشت.

فروتنی ناب استاد، به راستی در این روزگار ما شاید کیمیا و افسانه باشد. گاه کوچک‌نمایی با کج‌خلقی و ناامیدی توأم می‌شود، اما استاد تا روزهای پایانی عمر، سرزنده و شاداب و پرامید می‌زیستند. چند شب پیش از درگذشت، قبل از آنکه در بیمارستان بستری شوند، به منزل ایشان تلفن کردم.

پرستارشان می‌گفت: «با اینکه چند ماه بیشتر نیست که در خدمتشان هستم، به من گفته‌اند چون همسر و فرزندی ندارم، می‌خواهم خانه را به نامت کنم تا با خانواده‌ات در آن زندگی کنی!» شاید برخی بپندارند که استاد به سبب بیماری یا زوال عقل در سنین پیری، چنین مسئله‌ای را مطرح کرده‌اند، اما به راستی چنین نیست.

ایشان سالیان پیشتر که همسرش بیمار می‌شود، گرانبهاترین کتابهایش را فروخت تا دست نیاز به سوی کسی دراز نکند. استاد به راستی مهر جهان را از دل خویش برون افکنده بود و گاه می‌دیدم به کسانی که شیفته آن‌اند، نگاهی تعجب‌آمیز دارد. پرستار می‌گفت: «در خانه ایشان که بودیم، گاهی من و خانم، تلویزیون تماشا می‌کردیم. گاه به استاد می‌گفتم اگر مایل به دیدن برنامه‌های تلویزیونی هستید، شما هم به اتاق بیایید.» ایشان می‌گفتند: «راحت باشید، اگر من بیایم، خانم شما راحت نخواهد بود.» آنچه نام استاد فقیهی را بر سر زبانها انداخته بود، ویژگیهایی این چنینی بود.

استاد ذهن پویایی داشت. تا ماههای آخر، هر بار که تماس می‌گرفتم و خود را معرفی می‌کردم، به من می‌گفتند: «خودتان را معرفی نکنید، هنوز آن قدر خرف نشده‌ام که صدای شما را نشناسم.» گاه می‌شد که واژه‌ای عربی مطرح می‌کردم و می‌خواستم بدانم تا چه اندازه هوشیاری ذهنی‌شان بر جای مانده است. گاه من از حضور ذهن ایشان، در نود سالگی، در شگفت می‌شدم. در آخرین روزهای زندگی‌اش هم اگر ریشه واژه‌ای را نمی‌دانست، برمی‌خاست و به کتابخانه می‌رفت تا درستی و نادرستی آگاهی پیشین‌اش را بسنجد و اگر لغزشی بوده، اصلاح کند.

بر سر واژه «لثه» چنین بحثی میان من و ایشان اتفاق افتاد. شبی تا دیر هنگام که در جمع دوستان بودیم و استاد نیز حضور داشت، با خود گفتم: «همگی چرت می‌زنند و خسته‌اند.

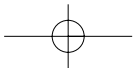
تنها اوست که با سرزندگی و بی‌هیچ خستگی و با همان نشاط همیشگی، جوان‌روان‌تر از جوانها مجلس را گرم می‌کند.»

استاد فقیهی بسیار می‌شنیدند و تا گفتار اهل مجلس پایان نمی‌یافت، لب به سخن نمی‌گشودند. کمتر دیده بودم که به میان سخن دیگران وارد شوند. ادب راستین استاد را، دوستانش صادقانه تأیید می‌کنند. خوب شنیدن و

نهج البلاغه، حق الترجمه خوبی دریافت کرده باشید و دست کم پانزده درصد.» ایشان گفتند: «من پول نمی‌گیرم. کتاب می‌گیرم و تعدادی را هدیه می‌دهم.» این برای کتاب نهج البلاغه بود که ترجمه‌اش دست کم، هفت سال به طول انجامید. خاطره‌ای دیگر که در ذهنم مانده است، اینکه ایشان معتقد بودند طرح جلد کتاب باید بسیار ساده باشد. برای کتاب تبلیغ تجاری هم نباید کرد. چون جلد زیبا، خواننده را فریب می‌دهد و او را از دقت در محتوا دور می‌کند. تبلیغ کتاب ممکن است نوعی اغفال خواننده به شمار آید. باور داشتند که کتاب خوب، راه خود را باز می‌کند و کتاب کم‌ارزش یا بی‌ارزش، دیر و زود به فراموشی سپرده خواهد شد. این، تفسیر وارستگی فرهنگی ایشان بود.

دورادور می‌دیدم حتی یک میز تحریر کوچک و صندلی راحت ارزان‌قیمت، برای نگارش روزانه خود تدارک ندیده بودند. خانه‌ای که سالهای دهه سی شمسی، با حقوق معلمی در قم ساخته بودند، بی‌هیچ تغییری، نزدیک به پنجاه سال در آن به سر بردند. گاهی می‌گفتند: «یک شاخه تیرآهن هم در این ساختمان به کار نرفته است.» محل سکونت سالهای تهران‌نشینی را نیز به زوج جوان کم‌درآمدی داده بودند و اجاره‌ای نمی‌گرفتند، می‌گفتند: «از آنان خواسته‌ام تنها به باغچه خانه برسند و آبش بدهند و اگر به تهران آمدم، چند شب مهمان آنان باشم.» بارها می‌گفتند: «مبادا در سیلاب آزمندی عمومی که بیشتر مردمان گرفتار آنند، گرفتار شوی!» حتی روزی گفتند: «چرا کمتر همدیگر را می‌بینیم؟» گفتم: «مشغله‌های زندگی، فراغت ما آدمها را کاسته است.» گفتند: «چرا؟» گفتم: «شیوه زندگی چنان گذشته و روزگاران جوانی شما نیست. اگر در آن روزگار قناعت داشتن ارزش بود و آزمندی ضدارزش، امروزه قناعت داشتن در زمره حماقت است و بی‌دست‌وپایی و آزمندی نشانه تلاش شرافمندانه برای یک زندگی بهتر نام گرفته است!» از جمله گفتم: «به هر حال، بچه‌ها به مدرسه غیرانتفاعی و دانشگاههای شهریه‌پذیر می‌روند و البته هر دو مطالبه‌کننده هزینه هستند.» توصیه‌اکید کردند: «در ارزان‌ترین مراکز آموزشی ثبت‌نامشان کن که اگر استعدادی داشته باشند، در مدارس معمولی و یا سطح پایین بهتر پرورش می‌یابند. دقت زیاد در گزینش آموزشگاه و هزینه تحصیلی فراوان، باعث کشته شدن استعدادها می‌شود.» می‌گفتند: «پنجاه سال معلمی کردم و آشکارا دیدم که استعدادهای بزرگ علمی از میان مراکز آموزشی دولتی و یا خانواده‌های فقیر ورده پایین اجتماع بیرون می‌آیند.»

به راستی، درست آن است که چراغ استعدادهای درخشان در پرتو رفاه و ثروت فراوان، خاموش یا کم‌فروغ می‌نماید. علم و ثروت رابطه‌ای معکوس باهم دارند. فراهم آوردن آنها باهم (اساساً) جمع اضداد خواهد بود. زندگی استاد هم نماد دقیق آن بود که دانسته بود نباید دانش را به مکتن بفروشد. این رفتار را تنها اندک گروهی چون ایشان می‌توانستند تحمل کرد که یادگار نسلهای پرکار و کم توقع گذشته چون دکتر محمدمعین بودند. استاد بارها با سرافرازی از فقر خانوادگی و دوران تحصیل‌شان یاد می‌کردند و بی‌پرده و بی‌هیچ شرمساری، در محفل خصوصی و مصاحبه‌ها از آن سخن می‌گفتند. روزی به من گفتند: «هنگامی که برای تحصیلات دانشگاهی می‌خواستم به تهران بروم، پدرم گفت پولی ندارم که برای تحصیلت خرج کنم، اگر می‌روی، باید خودت خرجت را تقبل



معتبر فرهنگی دولتی و خصوصی و چه بی‌اعتنایی به طرح جلد و چه پرهیز برای تبلیغ درباره آثارشان، که استاد فقیهی پیوسته بر آن تاکید داشتند، در کوتاه‌مدت، باعث شد که در زمان حیاتشان، نوشته‌هایشان کمتر در میان دانشگاهیان راه یابد و بالطبع دانشجویان کمتر با نام ایشان آشنا شده بودند؛ ولی شاید در درازمدت، کار ایشان ارزش گذاری واقعی شود.

این اثر بیش از نهصد صفحه‌ای، شامل بخشهای متنوعی است که به راستی آینه زمان آل‌بویه و مردمان آن روزگاران است؛ از اوضاع خلافت اسلامی در بغداد تا بررسی زندگی اجتماعی دانشمندان آن دوران، تشکیلات حکومتی، نقابت علویان، اوضاع اقتصادی و مالی، اوضاع دینی، کیفیت تحصیل و وضع علما و ادبا، کتابخانه‌ها، زبان و گویشها، طبقات مردم که شامل طفیلی‌ها و دلقکها و عیاران و گدایان و دزدان است، وضع شهرها و بازارها و راهها و وسایل ارتباطی، چگونگی زندگی مردم و لباس تفریحات و قحطی‌ها، خودکشی‌ها، مجالس انس، مهمانیها و خوراکیها، اخلاق و عادات و صفات عامه و خاصه؛ از تقلب در مواد غذایی تا چاقوکشی و مکانهای فساد و یادگار نوشتن بر در و دیوار، بهداشت و پزشکی، ورزش، مصنوعات و محصولات و معادن و سرانجام کلیاتی از آداب و رسومی همچون سوگند یاد کردن، تشییع جنازه و جز آن.

با این همه ایشان هیچ‌گاه، نه این تالیف و نه دیگر کارها را وافی و کافی و کامل و شامل نمی‌دانستند. اگرچه «آل‌بویه»، ده سال عمر ایشان را به خود اختصاص داده بوده، در مقدمه آن پژوهش خویش را چنین وصف می‌کند: «کتاب حاضر بررسی مختصر و تحقیق گونه‌ای است درباره آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان، از جهات مختلف. نوشتن تاریخ آل‌بویه به‌طور کامل... مستلزم تدوین آن در مجلدات متعدد است. در حقیقت، این کتاب باید فهرست‌گونه‌ای از تاریخ آل‌بویه... به حساب آید، و نویسنده اذعان دارد که کتاب، خالی از نقص و اشتباه نیست، بلکه نارسایی‌ها و مطالب قابل تذکر در آن فراوان است.» در حالی که در تحقیقات مستشرقان، این تالیف مورد استفاده قرار گرفته و حتی دکتر هادی عالم‌زاده در مقدمه «اصناف در عصر عباسی» که ترجمه‌ای از تالیف صباح ابراهیم سعیدالشیخلی به زبان عربی است، می‌نویسد: «در سرلوحه این آثار باید نام کتاب با ارزش آل‌بویه تالیف دانشمند گرانمایه علی‌اصغر فقیهی را قرار داد. روزگاری را که کتاب آل‌بویه... مورد بحث نهاده قسمتی از دوره‌ای است که مولف الاصناف فی‌العصر العباسی بدان پرداخته است. برخی از مباحث کتاب آل‌بویه... دقیقاً همان مطالبی است که در این کتاب طرح گردیده، هنگامی که به مراجع و مآخذ این دو نویسنده و اشتراک این منابع و مصادر نظر شود، علت قرابت و تشابه این بحثها آشکار می‌شود... ولی به هر حال این مطالب، صفحاتی بسیار محدود از این کتاب بزرگ نهصد صفحه‌ای را در برمی‌گیرد.»

یک بار دیگر شفهاً از دکتر هادی عالم‌زاده درباره تراز دانش و شیوه پژوهش علی‌اصغر فقیهی و تاریخ پژوهی‌اش پرسش کردم که برخی نخواستگان تاریخ پژوه، کارهای ایشان را از دیدگاه دانشورانه فرودست می‌شمارند. ایشان با استواری تمام، به والایی تلاشها و دانش استاد گواهی داد و کار آل‌بویه را چنان ستود که کاری سترگ باید ستوده شود. آنان که ایشان را می‌شناسند، می‌دانند که چه اندازه ریزبین و

خرده‌گیرند و به آسانی مهر تأیید برنگارش یا پژوهشی نمی‌زنند و تحقیقات خود را نیز به همین نگرش می‌نگرند، چندان که کارنامه آثار نگارشی‌شان بسی اندک و میان انتشار دو مجلد نخست و دوم ویراسته «تاج‌المصادر» بیش از ده سال فاصله زمانی است. «آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان» به زبان عربی ترجمه شده و چنان‌که استاد می‌گفتند، به زبان انگلیسی هم در حال ترجمه است.

تاریخ آل‌بویه: این کتاب به سال ۱۳۷۸، به پیشنهاد و از سوی انتشارات سمت برای تدریس دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد منتشر شد. شاید این نکته نشان از ارزشمندی این اثر داشته باشد که پیشنهاد خلاصه‌کردنش به استاد داده شده و برای تدریس دانشگاهی در مقاطع لیسانس و فوق لیسانس در نظر گرفته می‌شود.

تاریخ مذهبی قم: این اثر نخستین بار به سال ۱۳۵۰ منتشر شد. علی‌اصغر فقیهی در مقدمه می‌نویسد: «کتاب حاضر بخشی از تاریخ جامع قم است که نویسنده چند سالی است در صدد تهیه آن می‌باشد. کوشش شده است وضع مذهبی شهر قم از هنگام فتح آن به دست مسلمانان تا نزدیک به زمان حاضر از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.» استاد دیگر باره به نقص احتمالی تحقیق خود اعتراف می‌کند و در ادامه می‌نویسد: «گويا اولین بار است که درباره تاریخ مذهبی یک شهر در ایران، کتابی نگاشته می‌شود.» این نکته هراس ایشان را بیشتر کرده بود؛ ولی گذشت زمان ثابت کرد که این کتاب یکی از بهترین پژوهشهای معاصر، پیرامون قم‌شناسی است. حتی خانم لمبتون (انگلیسی) نیز به هنگام نوشتن پژوهشی پیرامون قم، بارها به آن استناد کرده‌اند. این پژوهش توسط دکتر حسن زندیه به فارسی ترجمه شده است.

خواهش پیوسته دوستان ایشان آن بود که این مجموعه پنج بخشی را پایان دهند که اثر پنج‌گانه‌ای شامل: تاریخ مذهبی، تاریخ اجتماعی، تاریخ علمی، تاریخ آستانه مقدس فاطمه معصومه و امام‌زادگان، و امروز قم بود. در سالهای پایانی، تصمیم به انتشار تاریخ اجتماعی داشتند که تألمات روحی ناشی از بیماری و مرگ همسرشان و سپس کسالت‌های کهنسالی فرجامین، این فرصت را از ایشان برگرفت. امید که به همت شاگردان و دوستانشان، این مجموعه نیز منتشر شود.

تاریخ و عقاید وهابیان



دویست و شصت و نهمین شماره کیهان فرهنگی ویژه اسفندماه به همراه دو مصاحبه از آیت الله محمدعلی تسخیری و نیز استاد علی معلم چا/و در دسترس علاقمندان قرار گرفت.

مدیرمسئول در طلّیعه این شماره با اشاره به موضوع نوروز و نوآوری گفته است: خداوند

این رساله نخستین بار به سال ۱۳۳۳ به چاپ رسید. ایشان که از زمره پیشگامان وهابیت پژوهی در ایران بوده‌اند، در گامهای بازپسین، به شکل پژوهش کامل‌تری با نام «وهابیان» عرضه داشتند که تا سال ۱۳۷۸ چهار بار تجدید چاپ گردید.

وهابیان

ویراست نخست آن به سال ۱۳۵۲ از سوی انتشارات صباي تهران منتشر شد و در چاپهای بعدی به حجمش افزود. کتاب در هشت بخش است: بنیادگذاران مذهب وهابی؛ عقاید این تیمیه؛ شیخ محمد عبدالوهاب پیشوای فرقه وهابی؛ عقاید وهابیان؛ قدیمی‌ترین ذکر از مذهب و عقاید وهابیان در منابع ایرانی؛ مرکز انتشار مذهب وهابی؛ آل‌سعود؛ جمعیه‌الاخوان، خاتمه‌ای درباره مذهب وهابی درخارج از نجد و حجاز.فقیهی می‌نویسد: «کلیه مطالب کتاب مستند است و بیشتر مستندات، آثار نویسندگان وهابی یا متمایل به وهابیت یا آثار مورد اعتماد وهابیان بوده است.»

ویژگیهای پژوهشهای استاد فقیهی

۱. «نیازنگاری» و «درخواست‌نگاری» و نه با هدف تجاری و به سفارش ناشر یا به عنوان منبع درآمد اقتصادی یا ارتقای دانشگاهی.

۲. کوشش در ارائه یک کار نوآورانه، نه رونوشت‌نگاری ناهرمندانه و تقلیدگرایانه از کار دیگران.

۳. استفاده از منابع دست اول و ناترجمه‌ای که در مقدمه بیشتر آثارشان تاکید داشته‌اند.

۴. روان‌نگاری نثرشان که برآیندی از فرآیند مطالعه پیوسته متون کهن عربی و فارسی است و خوانندگان از خواندن کتاب‌شان خسته و دل‌زده نمی‌شوند.

۵. پرهیز از انبوه‌نگاری و پراکنده‌نگاری در شاخه‌های مختلف و منحصر کردن کارهای شان در حوزه تاریخ و تمدن اسلامی.

در پایان یادآور می‌شوم فروتنی ایشان بازشان داشته بود که اکنون بسیاری از ایرانیان - و به ویژه شیعیان - بدانند که رساله توضیح‌المسائلی که به شکل امروزی در سطح کشور فراروی ماست، برآیند تلاش استاد فقیهی و به درخواست مرحوم آیت الله العظمی بروجردی است. روزی ایشان فراخوانده شد و به ایشان گفته می‌شود: «بر شما تکلیف است که ابواب فقهی را به زبان همه کس فهم و نثر

جلوه‌های طبیعت بهاری را پیام‌بیداری انسان‌ها ساخته و لباس جدید درختان و جلوه‌های نباتات هر بیننده را به نوآوری فرا می‌خواند و یک یک غنچه‌های بهاری انسان‌ها را به شکوفایی دعوت می‌کنند.

آیت الله محمدعلی تسخیری در این گفت و گو در پاسخ به سؤال موضوع روزآمد کردن مسائل در حوزه‌ها گفته است: من بهترین نسخه را نسخه‌ای که مقام معظم رهبری برای حوزه پیچیده می‌دانم.

من دیدم ایشان ابعاد گوناگون تحول در حوزه‌ها را بیان کرده‌اند و یک گروهی از فضلا در صدد برآمده‌اند با تشکیلاتی این نسخه‌آقا را عملی‌کنند.

آیت الله تسخیری اهتمام ریزان حوزه را به موضوع "علم مقاصد" تاکید کرده و گفته است: به نظرم یکی از علومی که باید رویش بیشتر مطالعه شود "علم مقاصد" یعنی اهداف شریعت است. آنها را باید کشف کنند، هم



امروزی پارسی بنگارید..» استاد فقیهی بخش‌بخش، رساله‌ها را آماده می‌کرد و به ایشان ارائه می‌نمود. شماره‌گذاری رساله‌های احکام عملی امروزمین و نگارش استوار آن، تراوشی است از قلم استاد فقیهی که خود البته از خاندانی نسل در نسل فقیه بود و خود فقیهی آزموده به شمار می‌آمد. در روزگار ما، تنها واژه‌هایی و گاه جملاتی به پایه متن افزوده شده است و بس.

بخشی از کارنامه علمی استاد علی اصغر فقیهی

- تاریخ و عقاید وهابیان
- دستورهای املا و انشا
- جغرافیای کشورهای اسلامی و تاریخ اسلام
- ترجمه عهدنامه مالک اشتر [با مقدمات و تعلیقات]
- راه‌خداشناسی با ترجمه توحید مفضل
- دستور زبان فارسی
- حج، آن‌طور که من رفتم
- شاهنشاهی عضدالدوله دیلمی
- تاریخ مذهبی قم
- آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان
- وهابیان (عقاید و تاریخ فرقه وهابی)
- ترجمه کتاب شریف نهج‌البلاغه
- سفرنامه آفریقا
- آثار پراکنده و منتشر نشده:
- ایران در جنگ گذشته
- ادبیات ایران در قرن اول و دوم هجری
- نهضت نجف در جنگ بین‌الملل، ترجمه

از عربی

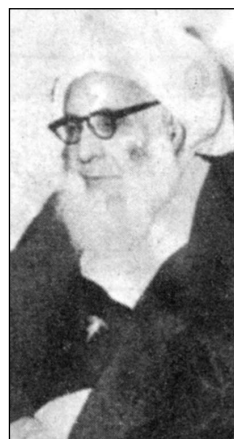
- تاریخ کشورهای عربی بعد از جنگ جهانی اول
- نویسندگان بزرگ اسلامی
- ابومسلم خراسانی
- تاریخ حبشه
- محمدرسول‌الله، ترجمه از عربی، احمد تیموربیک (منتشر نشده)
- سفرنامه استرالیا (منتشر نشده)
- سفرنامه شرق آسیا (منتشر نشده)
- تاریخ اجتماعی قم (منتشر نشده)
- خاطرات (دست‌نوشته)
- تأثیر ایرانیان در بسط تمدن اسلامی (پایان‌نامه)
- آل‌بویه

شماره جدید کیهان فرهنگی

اهداف عام و هم اهداف خاص، مثلاً اهداف اقتصادی اسلام چیست، اهداف حقوق اسلام کدام است؟! اهداف عبادات چیست؟ فقیه باید اینها را کاملاً بداند حتی در استنباط یک مسئله کوتاه که می‌خواهد استنباط کند.

همچنین در این شماره می‌خوانیم: "کتاب شناسی آیت الله محمدعلی تسخیری" به قلم مسعود اسلامی، "جهان اسلام و جهانی سازی" نوشته آیت الله محمدعلی تسخیری، آی عجبا من چه منم" گفت و گو با استاد علی معلم، "تأثیر قرآن و حدیث بر رودکی" از دکتر ناصر جان نثاری، "نوآوری در قافیه و روی در غزل های مولانا" به قلم نسرین ستایش، نخستین "زمان اجتماعی ادبیات جدید فارسی" نوشته عبدالعلی دست‌غیب، "رشید وطواط؛ مداحی با ذهن و زبان شکوه ساز" از ابراهیم زاده گرجی، "سومین دفتر جشنواره ادبی پروین اعتصامی ورق خورد" نوشته طیبه صالحی تجریشی و...

دایره المعارف نهج البلاغه



آیت الله میرزا خلیل کمره‌ای در سال ۱۲۷۶ ش (۱۳۱۷ق) در کمره، از توابع اراک به دنیا آمد و پس از طی مقدمات و سطوح، راهی اراک گردید. او جزو اولین شاگردان آیت الله العظمی حائری یزدی در اراک بود و به همراه استاد راهی قم شد. همچنین دروس فلسفه و خارج فقه را با حضرت امام خمینی (ره) مباحثه می‌کرد. وی در قم در درس آیات عظام: میرزا جواد ملکی تبریزی، حاج شیخ عباس محدث قمی و سید محمد حجت کوه کمره‌ای شرکت کرد و پس از سالیانی، به اجتهاد دست یافت. آیت الله کمره‌ای در زمان رضاخان به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور شاه دستگیر و زندانی و به تهران تبعید شد؛ اما همچنان به فعالیت‌های علمی و اجتماعی خود ادامه داد و بخش عمده‌ای از اوقاتش را مصروف تدریس به طلاب و دانشجویان و تألیف کرد؛ ضمن آنکه به وعظ و خطابه و اقامه جماعت نیز می‌پرداخت.

ایشان بعدها به عنوان نماینده آیت الله العظمی بروجرودی به مصر رفت و از شیخ شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، به دلیل به رسمیت شناختن مذهب تشیع تشکر نمود. آیت الله کمره‌ای در چندین نوبت به ریاست کنفرانس عالم اسلام انتخاب شد و به سخنرانی پرداخت. ایشان همگام با مبارزات سیاسی و مجاهدات علمی به شیوه متعارف عالمان دینی، در دوره دکتری دانشکده الهیات دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. حاج میرزا خلیل در نوزدهم مهر ۱۳۶۳ ش، برابر با پانزدهم محرم ۱۴۰۵ ق، در ۸۷ سالگی، در تهران درگذشت.

تفسیر سوره نور، اسرار حج، فلسفه غیبت امام زمان (عج)، قبله اسلام، افق اعلی و افق وحی و دهها اثر دیگر از این عالم ربانی به جای مانده است. یکی از مهمترین آثار علمی ایشان، کتاب «دایره المعارف نهج البلاغه» است که در ذیل به معرفی اجمالی آن می‌پردازیم.

دایره المعارف نهج البلاغه آفرینش آسمان و زمین در نهج البلاغه

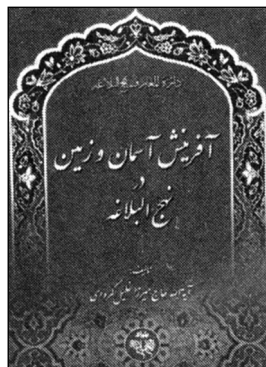
مؤلف: آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای
پاورقیهای علمی و ویرایش: دکتر احمد معتمد به کوشش: محمدرضا دین پرور
ناشر: بنیاد نهج البلاغه
۴۵۶ ص ۷۰۰۰- تومان
نهج البلاغه مجموعه‌ای از خطب، مکاتیب، مراسلات و کلمات قصار امام علی (ع) است که مرحوم سید رضی آن را جمع‌آوری کرده است.

گذشته از آنکه نهج البلاغه مشهد کائنات است، عهده‌دار تشکیل دولتهای مرفعی اسلامی است. بعد از پیغمبر (ص) تشکیلات کامل و تام دولت صحیح اسلام را به طوری که صریح اسلام باشد و خالص از هر چیز دیگر، تنها امام علی (ع) داده، و گرنه در زمان دیگران و هنگام خلافت خلفای عباسی و اموی هر چند ظواهری از اسلام بود؛ ولی اثری از معنویت اسلام و حقیقت اسلام در حکومت و مرکز حکومت نبود یا اگر هم بود، ناچیز بود؛ مگر تنها در دولت همین امام همام (ع).

حضرت در نخستین خطبه این کتاب از چهار موضوع بحث می‌کند: آفرینش عالم و آدم، ملائکه، سر نشو و ارتقای انسان، و راه نیل به کمال مطلوب. کتاب حاضر ترجمه خطبه اول نهج البلاغه است که به قلم حضرت آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای نگارش یافته است. در این خطبه امام مانند یک مهندس عالی مقام که مامور طرح و نقشه بنای مهمی بوده و باید پس از اتمام بنا، گزارش آن را بدهد، در مقام تمجید و تقدیس و تجلیل از عظمت پروردگار جل شانه، ساختمان عالم وجود را از مواد اولیه و کیفیت و کمیت ترکیبی آن بیان فرموده و سپس از خورشید و ماه و زمین و جماد و نبات و

حیوان سخن رانده تا آدم ابوالبشر را در صحنه عالم آورده، دستور و راه تکامل این موجود معجون را آموخته است.

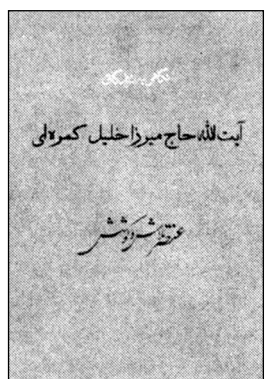
درست مانند یک مهندس که وصف طرح نقشه‌ای را در مغز متفکر خود و آوردن روی کاغذ و پیاده کردن در فضای بیکران عالم و توصیف و ایجاد کهکشان‌ها و منظومه‌های خورشید درخشان و ماه منور و عناصر و موالیذ نشسته عالم طبیعت و خلقت آدم و سیر کمالی آن را گزارش دهد، آنچنان بیان فرموده که محال است عقل بشری دیگر بتواند بهتر و برتر از آن بیاورد.



آیت الله کمره‌ای، مترجم و مفسر و مبین این خطبه تا آنجا که ممکن بوده، ریزه کاریهای آن را یادآوری نموده و اجرام سماوی و مواد علوی و تصویری از کهکشان‌ها و منظومه‌ها و آدمها را تعریف و توصیف کرده و نظام عالم آفرینش را در این کتاب تشریح و بیان کرده است.

کتاب نهج البلاغه در حقیقت دایره المعارف علوم اسلامی است که اگر دانشمندی این کتاب را درست بخواند و به همه اسرار و نکات و دقایق آن پی ببرد، همه علوم اسلامی را --- بلکه دانش بشری را --- دانسته است. شرح ابن میثم، شرح ابن الحدید، شرح محمد عبده و شروح دیگر مملو از علوم و دانشهاست و این شرح و ترجمه که از یک قسمت از خطبه اول است، نماینده شروح نهج البلاغه می‌باشد و حقاً کم نظیر است، اگر نگوییم بی نظیر.

نویسنده محقق که خود فقیه و مفسر و محدث علی‌قدری بود، در شرح کلمات امیرالمؤمنین (ع) از علوم مختلف استفاده کرده و در فضایی علمی و تخصصی به شرح آنها پرداخته است و بدین نظر که نهج البلاغه کتاب تربیت است، اجزای دایره المعارف خود را در «تبویب» از نظر



تربیت ترتیب داده است و در تقدیم و تاخیر ابواب، ملاحظه تقدم رتبی موضوعات و اهمیت واقعی آن را ننموده است. وی این دایره المعارف را در بیست و چهار بخش سامان داده است که کتاب حاضر بخش اول آن، یعنی «نهج البلاغه و خلقت» را شامل می‌شود.

فهرست مطالب این خطبه

۱- در قطعه‌ای از خطبه از باد و بارش و سنگ و کوه و گهواره زمین نام می‌برد.
۲- در قطعه‌ای دیگر، کلیات عالم انشا را بیان می‌کند و فعل و انفعال مواد و تفاعل آنها را در یکدیگر و جمع و تفریق آنها را برای آفرینش، یعنی برای صورت بهتر به خود گرفتن بیان می‌کند.
۳- از نظامات جهان و منظومه شمسی و اختران تابان و گردش سپهر گردون یادآوری می‌کند.
۴- پیدایش آدم ابوالبشر و طلوع انسان را در جهان، به طرز عجیبی تشریح می‌کند. به طرز بی‌سابقه‌ای ابتلای آدم را مدلل می‌نماید که دردها، رنجها، داغها، آهها، ناله‌ها و سوزها، همه اطراف آدم را گرفته‌اند.

۵- بیان می‌کند که ظهور انبیا و بعثت خاتم پیامبران، همدوش با غایات مصلح خلقت بوده و مطابقت کامل با آن مصلح عالیه دارد و از تطبیق آن دو و تطابق آنها با یکدیگر تذکری می‌دهد.

۶- مجتمع کامل امم و انجمن عالی جهان را کنگره حج دانسته که ضامن اجرای نظام اسلام است.

روش مؤلف در این کتاب

۱- عین خطب و قطعات نهج البلاغه را با اعراب آورده است.

۲- ترجمه فارسی آن را مطابق با اصل، بدون اضافه و کم آورده است، مگر در مواردی که برای ارتباط جمله لازم بوده کلمه‌ای یا جمله‌ای افزوده شود که آن را بین دو هلال قرار داده است.

۳- در ذیل هر خطبه، علاوه بر خود نهج البلاغه و جز از طریق سید رضی، سند دیگری که برای خطبه یافته، ضبط کرده است.

۴- گاهی که مطالب خطبه مورد تاریخی داشته، به قدر ضرورت، آن را برای توضیح ذکر نموده است.

۵- کلمات مشکل خطبه را تحت عنوان «چند کلمه توضیح» معنی کرده و در جدول برابر هر کلمه مشکل «معنی و منظور» را آورده است.

مدیر مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی:

مخاطب پژوهی در ترجمه‌های قرآن کمرنگ است

اینکه در ترجمه قرآن نمی‌توان همه نیازهای مخاطب را پاسخ داد، گفت: فهم از قرآن تنها از طریق ترجمه قرآن امکان‌پذیر نیست و با ترجمه می‌توان تنها به بطن‌های ظاهری قرآن دست یافت. وی درباره تعیین سطح مخاطب‌گرایی در تألیفات قرآنی گفت: تعیین کردن توجه به نیاز مخاطب در ترجمه‌های قرآن و تألیفات قرآنی و دینی امری است نیازمند تحقیق و پژوهش که مراکز علمی، دانشگاهی و آموزش و پرورش باید به یاری یکدیگر به این پژوهش بپردازند.

وی در پایان گفت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه جهانیان به ایران و پیام قرآن جلب شده است، بنابراین مولفان دینی و قرآنی وظیفه سنگینی دارند که باید با شناخت درست و صحیح از مخاطب این وظیفه را به بهترین شکل به انجام رسانند.

خاص خود به ترجمه قرآن پرداخته است. وی افزود: متأسفانه در امر ترجمه قرآن هنوز نیرو تربیت نکرده‌ایم و به تولید ترجمه دست نزده‌ایم، به این معنا که سفارش کار برای یک مخاطب خاص با ویژگی‌ها و معیارهای لازم را نداده‌ایم. برای مثال می‌توان با ادبیات و روش خاصی حتی در قالب داستان به ترجمه قرآن برای کودکان پرداخت.

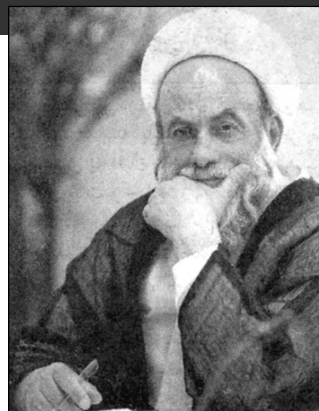
مدیر مؤسسه ترجمان وحی تصریح کرد: البته «مصطفی رحماندوست» ترجمه‌ای روان و ادبیات‌گونه برای قشر کم‌سن و سال ارائه داده، اما هنوز فراگیر نشده است. امروز لازم است ترجمه قرآن برای همه اقشار جامعه از عوام گرفته تا خواص موجود باشد. مخاطب‌گرایی باید به ارائه ترجمه‌ای شایسته فهم مخاطب منجر شود و افزایش علاقه و تأثیرپذیری بیشتری از قرآن را به همراه داشته باشد. نقدی با بیان

یابد، در زمینه ترجمه قرآن یکی از اساسی‌ترین مباحث در نظر گرفتن نیاز جامعه و مخاطب روز است، این مسأله موجب می‌شود رغبت مخاطب به خواندن بیشتر، در نتیجه به مفاهیم قرآن نزدیک‌تر و در پی آن اثرگذاری بیشتری روی دهد و در صحنه عمل هم تبلور پیدا کند. مدیرمسئول نشریه «ترجمان وحی» با بیان اینکه غفلت در امر مخاطب‌گرایی تألیفات قرآنی به این حوزه آسیب می‌رساند، گفت: مراکزی که بودجه و امکانات در اختیار دارند، لازم است در این امر سرمایه‌گذاری کنند، کارگاه ترجمه، کلاس ترجمه، تربیت مترجم و... از ضروریاتی است که باید به آن‌ها پرداخته شود، تا ترجمه‌های قرآن طی ضوابط علمی انجام شود، چرا که همه کارهایی که تاکنون انجام شده از روی عشق و علاقه شخصی بوده و فرد مترجم با ادبیات

می‌دهد که مؤلف شرایط مختلف را در نظر گیرد و با نگاهی همه‌جانبه به جامعه بنگرد، یکی از آن شرایط میزان درک و فهم مخاطبی است که متن برای آن نگاشته می‌شود.

وی ادامه داد: علوم مختلف سیر تکاملی تدریجی را می‌پیمایند، درباره علوم دینی هم وضع به همین گونه است، برخی از کشورهای مسلمان در زمینه مخاطب‌پژوهی و پاسخ‌دهی به نیازهای مخاطب دینی و قرآنی در تألیفات موفق‌تر از سایر کشورهای اسلامی بوده‌اند و منابع مختلفی را در سطوح و مقطع‌های متفاوت تحصیلی تألیف کرده‌اند، به ویژه در زمینه احکام و قرائت قرآن.

نقدی تصریح کرد: ایران نیز به عنوان یک کشور اسلامی با تمدن چندین هزار ساله لازم است تا در این زمینه نیز به موفقیت‌های بیشتری دست



مدیر مؤسسه ترجمان وحی با ضروری دانستن مخاطب‌گرایی در ترجمه‌های قرآن، گفت: مخاطب‌پژوهی در ترجمه‌های قرآن، امریست که در سال‌های متمادی مورد غفلت واقع شده است. حجت الاسلام والمسلمین محمد نقدی در گفتگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) افزود: مخاطب‌پژوهی همواره یکی از مهمترین موضوعات مطرحی است که باید در تألیفات قرآنی و دینی به آن توجه داشت. باید پذیرفت که بحث تفهیم و تفاهم زمانی نتیجه مطلوبی



آیت الله تسخیری دستاوردهای کنفرانس وحدت را تشریح کرد



حاج آقا چرا از مراجع برای حضور در کنفرانس وحدت دعوت نمی کنید؟

ما دعوت می کنیم و به این دعوت افتخار می نماییم. البته ما به مقامات عالی مراجع توجه داریم و از آنها توقع نداریم در کنفرانس شرکت کنند، اما گاهی نمایندگان ایشان در مناسبات ما حضور می یابند.

سیره اهل بیت (ع) چقدر توجه و تاکید بر وحدت دارد؟

یکی از شاخصه های سیره اهل بیت (ع) و گفته های ائمه معصومین علیهم السلام، مسئله وحدت است. رفتارهای حضرت امیر (ع)، رفتارهای امام صادق و دیگر ائمه هدی سلام الله علیهم گواه بر این مدعاست. به عنوان مثال امام صادق (ع)، چهار هزار شاگرد داشته است و شاید اکثرشان شیعه نبودند، اما امام صادق (ع) رفتاری با این ها داشتند که همه عاشق امام (ع) بودند و همه برای انتقال روایات آن حضرت کوشش می کردند و ائمه (ع) همواره تاکید داشتند که شیعیان با سایر مسلمانان رفتارهای مشترک داشته باشند. در نماز جماعت و تشییع جنازه هایشان حاضر شوند. یعنی در همه فعالیت های اجتماعی شان مشارکت کنند.

الان از دو جهت با فعالیت های شما مخالفت می شود، عده ای با اساس کار مخالفند و چنین اقداماتی را به ضرر مکتب می دانند، برخی دیگر هم نسبت به تاثیر فعالیت های شما تشکیک می کنند. پاسخ حضرتعالی چیست؟

من معتقدم عامل اصلی این دو انتقاد، نداشتن آگاهی کامل است. اگر آگاهی کامل از اهداف این حرکت و ابعاد به دست بیاید، هیچکس مخالفت نخواهد کرد.

مجمع جهانی تقریب چقدر در آگاهی بخشی در این زمینه تلاش کرده است؟

ما سعی کرده ایم از طریق جلسات، نشریات و ارتباطاتی که داریم اطلاع رسانی کنیم. واقعاً آنهایی که مخالفند و تصور می کنند این حرکت به ضرر تشیع است، کاملاً در اشتباهند چون حرکت را خوب متوجه نشده اند و فکر می کنند تقریب به معنای عقب نشینی در برابر دیگر مذاهب است.

ولذا مجدداً عرض می کنیم که ما به هیچ وجه در ماجرای تقریب از عقاید خود دست برنمی داریم و به عکس می گوئیم که مذاهب بر اصول و فروع خودشان تاکید و دفاع کنند، ولی داعیه کشف مناطق مشترک و برخورد محترمانه

داشته باشیم. **اساس برگزاری کنفرانس وحدت را چقدر ضروری می دانید؟**

با توجه به دستاوردهایی که اشاره کردم، خیلی ضروری است. یعنی ارتباط مهمی بین علما به وجود می آورد موضع گیری عام علما را در قطعنامه نشان می دهد و بالاخره مسئله وحدت را توسعه می دهد و ما می خواهیم مسئله تقریب مذاهب را به شکل یک سنت عام علما و یک گرایش عمومی در بیاوریم. اگر ما توانستیم علمای جهان اسلامی را زیر پوشش تقریب گرد هم آوریم می توانیم تضمین کنیم که این مسئله کم کم به سمت توده های مسلمان منتقل شود و اگر این حرکت توده ای اسلامی شکل بگیرد به هدف خود یعنی ایجاد وحدت امت اسلامی خواهیم رسید.

وحدت امت اسلامی چقدر ضرورت دارد؟ وحدت یکی از اهداف عظیم قرآنی است، یعنی اگر امت اسلامی متحد نباشد نمی تواند ادعا کند که ویژگی های قرآنی را داراست. پس هدف وحدت، هدف بزرگی است و مقدمه ای برای انجام وظیفه امت در تاریخ تمدن بشری است، ما معتقدیم ایده تقریب مذاهب، مقدمه ای برای وحدت اسلامی بزرگ است و البته وحدت امت اسلامی، شرط تحقق دو هدف بزرگ است، یکی مقاومت و غلبه بر چالش های فراروی امت و دومی ایفای نقش امت در مسیر تمدن بشری است. اسلام بر اساس آیه های قرآن طوری طراحی کرده است که امت اسلامی، امت الگو و شاهد و رهبر باشد.

به نظر شما مسلمانان از نداشتن وحدت چه ضربه هایی خورده اند؟

دارید ضربه هایش را می بینید. از یک طرف در قبال چالش ها، مقاومت نکردند و لذا می بینیم که در حالت عقب ماندگی عظیمی در زمینه های علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به سر می برند و از سوی دیگر از آن نقش عظیم هدایت بشر باز مانده اند بلکه اینها دنباله رو مسیر تمدنی شده اند که غرب هدایت می کند، یعنی علی رغم امکانات معنوی که این امت دارد، نقشی در تمدن بشری ندارد بر همین اساس ما وحدت را یک هدف بزرگ می دانیم و تقریب مذاهب را مقدمه تحقق وحدت می دانیم و بر روی آن پافشاری می کنیم.

در فعالیت های تقریبی به چه اصولی باید پایبند باشیم؟

متأسفانه مفهوم تقریب، تحریف شده است. خیلی ها تصور می کنند که تقریب مذاهب اسلامی به معنای عقب نشینی هر مذهب از اصول اساسی خودش است، ولی ما معتقدیم تقریب به این معنی نیست ما می گوئیم هر مذهبی بر اصول و فروع خودش و حتی حقانیت خودش و تبلیغ در این مسئله تاکید کند فقط، ما خواهان این هستیم که همه به سمت شناخت مشترکات حرکت کنند و گاهی این مشترکات متجاوز از نود درصد می شود. پس شناخت مشترکات و توسعه مشترکات با تفاهم بیشتر و همکاری در اجرای این مشترکات مدنظر است. البته مسائلی هم مورد اختلاف است، ما نمی توانیم بگوئیم همه مسلمانان یک شکل، فکر و استنباط کنند.

بله، نکته بعدی، نفس حضور شخصیت های گوناگون در کشور و ارتباط آنها با شخصیت های حوزوی و دانشگاهی در داخل است و این ارتباط برای ما یک هدف و به نظرم یک دستاورد است. چون آن شخصیت ها به واسطه حضور خود در ایران از پیشرفت های علمی و فرهنگی کشور مطلع می شوند و با توده های مسلمان ارتباط برقرار می کنند و علاوه بر این یکی دیگر از دستاوردهای ما حرکت تبلیغاتی بزرگی است که همزمان با برگزاری کنفرانس ایجاد می شود. رسانه های مختلفی از داخل و خارج در این کنفرانس حضور یافته و با شخصیت ها گفت و گو کردند؛ تنها بنده حدود چهل مصاحبه با رسانه های گوناگون داشتم و میهمان ها هم مصاحبه های زیادی داشتند و همه نیز بر وحدت اسلامی تاکید داشتند. یعنی یک حرکت تبلیغاتی وسیعی در اسفندماه گذشته در این زمینه به راه افتاد.

تاثیر آن در خارج از کشور چگونه بود؟ خیلی موثر بود. خبرگزاری ها و شبکه های تلویزیونی خارجی برنامه ها را پوشش دادند. و نیز رسانه های داخلی همچون العالم و الکوثر که مخاطبین بین المللی دارند حضور فعال داشتند. پس به طور خلاصه حرکت مطبوعاتی وسیعی انجام گرفت.

نشست ویژه فلسطین از جمله برنامه های بیست و دومین کنفرانس وحدت اسلامی بود. در این باره توضیح بفرمایید.

این نشست درباره غزه بود و این وظیفه ماست که به زخم جهان اسلام و دردهای غزه تاکید کنیم و متفکران و اندیشمندان جهان اسلامی را بیش از پیش متوجه این مسئله کنیم تا راهبردهای لازم را برای بهره مندی از این قضایا برای وحدت امت اسلامی ارائه گردد.

به طور خلاصه عرض می شود که ما در این کنفرانس هم به وظایف اصلی مجمع و هم به مسئله آگاهی علما و اندیشمندان درباره دردهای امت توجه نموده و هم هفته وحدت را احیا کردیم.

انتخاباتی که حین برگزاری کنفرانس برگزار شد به چه منظور بود؟

اسمال رئیس مجمع عمومی مجمع تقریب به اتفاق آراء تغییر کرد و آقای دکتر عبدالسلام عبادی دبیرکل جدید مجمع فقه اسلامی جده به این سمت انتخاب شد.

رئیس قبلی مجمع عمومی نیز دبیرکل وقت مجمع فقه اسلامی جده آقای ابن خوجه بود، این تشابه علت خاصی دارد؟

ما می خواهیم رابطه ای با مجمع فقه اسلامی جده داشته باشیم. زیرا آن مجمع، یک مجمع بزرگ جهانی است. اولاً شخصیت های برجسته همه کشورها و مذاهب اسلامی در این مجمع عضویت دارند و ثانیاً مشکلات بالفعل جهان اسلام در اجلاس های سالیانه آن مطرح و بررسی می گردد و به نتایج مهمی می رسد و ثالثاً یک مقام رسمی است که کشورهای دیگر به مقررات رسمی و تصویب شده در آنجا احترام قائلند. مثلاً بانک توسعه اسلامی که همه کشورها عضو آن هستند باید به فتاوی مجمع فقه اسلامی جده توجه داشته باشند یعنی یک حرکت جهانی است و ما می خواهیم با آن رابطه

آیت الله محمدعلی تسخیری" دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در گفت و گوی اختصاصی با خبرنگار مرکز خبر حوزه ضمن تشریح دستاوردهای بیست و دومین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، به برخی پرسش ها در زمینه وحدت پاسخ داد.

به گزارش خبرنگاری تقریب، متن این گفت و گو در ذیل می آید:

به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، بیست و دومین کنفرانس وحدت از ۲۲ تا ۲۵ اسفند در تهران برگزار شد. به نظر شما این کنفرانس چه دستاوردهایی داشت؟

بسم الله الرحمن الرحيم
ضمن خوش آمد گویی به جنابعالی عرض کنم که به نظرم می توانیم خلاصه ای از دستاوردهای کنفرانس اخیر را در چند مطلب بیان کنیم. یکی اینکه با این برنامه ها در هفته وحدت به گرایش انقلاب اسلامی به سوی وحدت اسلامی عمق داده می شود. اساساً احیای هفته وحدت یکی از اهداف بزرگ مان است و این اجلاس گونه ای از عوامل احیای این هفته است.

در کنار این مسئله، بیش از صد شخصیت از کشورهای مختلف در این کنفرانس حضور داشتند و یک مسئله حساسی را بررسی کردند.

میهمانان کنفرانس از چند کشور بودند؟ ما از ۴۶ کشور دعوت کردیم، ولی همه نتوانستند بیایند و حتی برخی از کشورها مانع آمدن میهمانان ما شدند.

مثلاً چه کشورهایی؟ مغرب و مصر

ولی دو تن از اساتید دانشگاه الازهر مصر در کنفرانس حضور داشتند. برخی با کشور واسطه آمدند.

دولت های مصر و مغرب مانع این حضور شدند؟

ما دقیقاً نمی توانیم بگوئیم دولت ها، ولی حتماً مسائل سیاسی دخالت داشت و لذا عده ای از میهمانان نتوانستند در بیست و دومین کنفرانس وحدت اسلامی در تهران حضور یابند.

محور اصلی بیست و دومین کنفرانس وحدت چه بود؟

چالش های عظیمی که فراروی امت اسلامی است و نحوه غلبه بر این چالش ها، موضوع این کنفرانس بود که میهمانان به تفصیل در این باره سخن گفته و ارائه مقاله داشتند که هم چالش ها و هم راه کارها به طور اجمال در بیانیه پایانی منعکس شد. البته ما در کتاب مستقلاً تمام این مباحث را چاپ خواهیم کرد.

کار تدوین و انتشار آن چه زمانی به انجام می رسد؟

این مقالات و طرح ها به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی تدوین و ارائه خواهد شد و هم اکنون مشغول این کارها هستیم که امیدواریم در شش ماه نخست اسمال به انجام برسد.

توزیع این کتاب به چه صورت خواهد بود؟ آن را به اطراف جهان و برای مراکز و شخصیت ها ارسال خواهیم کرد و کتب مربوط به مقالات کنفرانس های قبلی نیز همینطور بوده است.

به ادامه دستاوردهای کنفرانس بپردازیم.

داریم زیرا برخورد محترمانه، مآخوذ از منطق قرآن است. هر چه هست ما به دنبال ایجاد تعارف و محبت هستیم، به رغم اینکه اختلافات اعتقادی، عملی و استنباطی نیز وجود دارد. من معتقدم علت مخالفت با ایده وحدت، نشناختن این ایده است.

درباره تاثیر فعالیت هایتان بفرمایید؟

من به شما خبر می‌دهم که ایده تقریب، اثرات عظیمی بین علما به وجود آورده است و حتی کشورها به این سمت حرکت کرده‌اند. در اجلاس فوق‌العاده مکه مکرمه با توضیح و پافشاری ما و علی‌رغم بعضی مخالفت‌ها، مسئله وحدت در طرح رسمی ده ساله کشورهای اسلامی گنجانده شد. همچنین آیسسکو به

عنوان بزرگترین ارگان رسمی فرهنگی جهان اسلام، تقریب مذاهب را در صدر اهداف خود قرار داد. همین مجمع الفقه که اشاره کردم، کمیته ویژه‌ای برای مسئله تقریب مذاهب اختصاص داد و به شما عرض می‌کنم که نه تنها تقریب به تشیع ضربه نزده است، بلکه خدمات عظیمی را در زمینه معرفی معارف اهل بیت (ع) داشته است. **حضرت‌عالی پیش از ده سال از محضر آیت‌الله العظمی وحید خراسانی** در زمینه فقه و اصول بهره‌مند شده‌اید. آیا هنوز هم با ایشان ارتباط دارید؟ در صورت ارتباط آیا در خصوص برنامه‌های تقریبی با ایشان گفت‌وگو داشته‌اید. بنده به این تلمذ در محضر ایشان افتخار

می‌کنم. بله، یکبار خدمت‌شان رسیدم و ابعاد ایده وحدت را به ایشان توضیح دادم و گفتم که چه اثراتی در سطح دنیا دارد و چه گام‌هایی برداشته‌ایم. ایشان هم از این حرکت استقبال و برای ما دعا کردند.

حاج آقا فرمودید که ارتباط با علمای جهان اسلام یکی از دستاوردهای کنفرانس وحدت است. خب این امر یک دستاورد اولیه به شمار می‌رود. برای توسعه آن چه فعالیت‌هایی داشته‌اید؟

ما حرکت فرهنگی در زمینه تقریب داریم، مرکز تحقیقات مجمع در قم فعال است و به عنوان مثال تحقیقات وسیعی درباره احکام و

روایات مشترک بین مذاهب به انجام رسانده است. ما تا به حال ۲۵ جلد کتاب در زمینه روایات مشترک در منابع شیعی و اهل سنت داشته‌ایم. همچنین تحقیقاتی درباره روایان مشترک بین مذاهب و نیز ارتباط بین علمای فریقین در مسیر تاریخ داریم. مثلاً یک عالم سنی بر یک کتاب شیعی تعلیقه زده است و بر عکس. همین سیره اهل بیت علیهم السلام در خصوص وحدت را در قالب کتاب منتشر کرده‌اید؟

بله
از حضور حضرت‌عالی در این گفت‌وگو تشکر می‌کنم.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به تلاش استکبار برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان:

ما در شناخت عامل اصلی تفرقه، خطا نخواهیم کرد

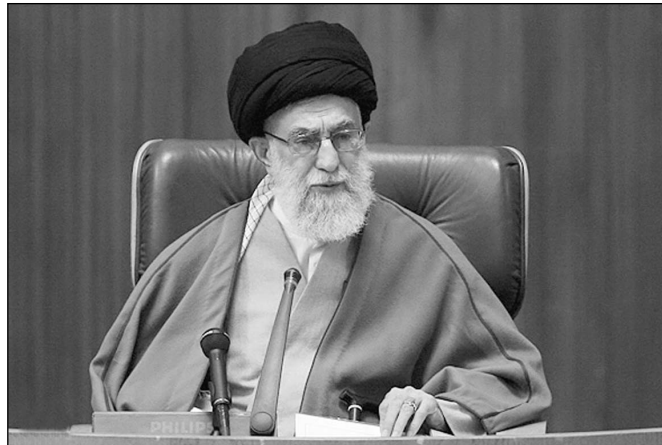
رژیم صهیونیستی و ایجاد همدلی میان مسلمانان، دشمن در لبنان مسئله شیعه و سنی، و در مسئله فلسطین موضوع قومیت و عربیت را مطرح کرد تا مانع از باقی ماندن شهد شیرین همدلی ناشی از این پیروزیهای افتخار آفرین شود.

ایشان تاکید کردند: مسئله فلسطین یک مسئله اسلامی است و ارتباطی به عرب و عجم ندارد و اگر در مسائل دنیای اسلام، موضوع قومیت به میان آید، بزرگترین عامل تفرقه بوجود خواهد آمد.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: در این شرایط، وظیفه اول بر عهده سیاستمداران و مسئولان و زمامداران کشورهای اسلامی است تا مانع از تحقق توطئه‌های دشمنان شوند.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: ما در شناخت عامل اصلی خطا نخواهیم کرد و اگر فریادی هم از حنجره داخل امت اسلامی خارج شود، می‌دانیم که این فریاد مربوط به قدرتهای استکباری است بنابراین مسئولان کشورهای اسلامی باید هوشیار باشند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: وظیفه علما، روشنفکران و تاثیرگذاران دنیای اسلام نیز برای مقابله با تفرقه میان مسلمانان و معرفی عاملان اصلی این تفرقه، بسیار با اهمیت است.



دشمنان اسلام و قدرتهای سلطه‌گر دانستند و تاکید کردند: مسلمانان باید در مقابل آتش افروزی و برنامه ریزیهای دشمنان برای ایجاد تفرقه بسیار هوشیار و آگاه باشند تا اسیر ترندهای آنها نشوند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: متأسفانه در برخی مواقع عده‌ای از مسلمانان و یا کشورهای اسلامی وسیله دشمنان برای اعمال غرض و ایجاد تفرقه می‌شوند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با یادآوری پیروزی مقاومت اسلامی در جنگ ۳۳ روزه لبنان و همچنین در جنگ ۲۲ روزه غزه خاطرنشان کردند: این دو حادثه بسیار عبرت آموز بود زیرا بعد از پیروزی بزرگ و درخشان جوانان مومن لبنانی و فلسطینی بر ارتش مجهز و پیشرفته

این سوءنیت آشکار و قلدرانه، وحدت عملی است.

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین عوامل تفرقه میان مسلمانان، عامل درونی و تعصب بر عقاید را یکی از آنها برشمردند و افزودند: ایمان به مبانی و اصول و عقاید، پسندیده است اما این اعتقاد نباید از مرز اثبات، به مرز نفی همراه با تعرض و دشمنی برسد. حضرت آیت الله خامنه‌ای با تاکید بر لزوم اهتمام شیعه و سنی به حفظ حرمت افکار و عقاید یکدیگر افزودند: بحث و مجادله علمی درخصوص این افکار و عقاید، در جلسات علمی اشکالی ندارد اما این مباحثات علمی، نباید به بدگویی در سطح افکار عمومی تبدیل شود.

ایشان عامل بیرونی تفرقه میان مسلمانان را، تلاشهای تفرقه افکنانه

حضرت محمد (ص) روی داد، در واقع اشاره‌های نمادینی است به حقیقت این ولادت که معنای آن آغاز برچیده شدن شرک، کفر، ماده‌گرایی، و ظلم و طغیانگری در عالم بود.

ایشان خاطرنشان کردند: اگرچه هدایت پیامبر اعظم (ص) هنوز همه بشریت را فرانگرفته است اما این چراغ فروزان و شعله روزافزون، به تدریج انسانها را به سمت سرچشمه نور هدایت خواهد کرد و سرانجام همه جهان را فراخواهد گرفت رهبر انقلاب اسلامی، همه بشریت را مرهون نعمت ولادت پیامبر اسلام (ص) دانستند و با تاکید بر لزوم وظیفه شناسی امت اسلامی در قبال این نعمت بزرگ افزودند: یکی از وظایف بزرگ مسلمانان در برابر این نعمت الهی، عمل به مسئله وحدت و اقدامات عملی و فراتر از شعار در این مسیر است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای تاکید کردند: عمل به وحدت و فائق آمدن بر عوامل تفرقه نیازمند مجاهدت است که نتیجه این اتحاد نیز حل بسیاری از مشکلات دنیای اسلام و عزیز شدن امت اسلامی است.

ایشان با اشاره به وضعیت کنونی مسلمانان و کشورهای اسلامی و انگیزه‌های سلطه طلبی و سوءنیت قدرتها برای ذلیل کردن امت اسلامی خاطرنشان کردند: تنها راه مقابله با

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تلاش قدرتهای استکباری برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان فرمودند: ما در شناخت عامل اصلی خطا نخواهیم کرد و اگر فریادی هم از حنجره داخل امت اسلامی خارج شود، می‌دانیم که این فریاد مربوط به قدرتهای استکباری است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در دیدار روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئولان نظام اسلامی، میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، سفرای کشورهای اسلامی و جمعی از قشرهای مردم، ولادت پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد (ص) را حادثه‌ای تعیین‌کننده برای مسیر بشریت دانستند و تاکید کردند: مهمترین و بزرگترین وظیفه پیروان پیامبر اسلام (ص) به ویژه سیاستمداران، علما، روشنفکران و تاثیرگذاران امت اسلامی مجاهدت برای تحقق اتحاد اسلامی، و مقابله با عوامل تفرقه است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این دیدار با اشاره به نقش تعیین‌کننده میلاد پیامبر اسلام (ص) در مسیر حرکت بشریت و وقوع برخی حوادث معنادار به هنگام ولادت آن حضرت افزودند: برخی پدیده‌هایی که به نقل تاریخ به هنگام ولادت

زکی‌المیلاد سردبیر مجله «الکلمه»:

پیشرفت مسلمانان در سایه وحدت و همبستگی آنها است

پیشرفت آنها هم جز با وحدت ایجاد نمی‌شود.

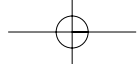
وی آنچه را که منجر به تفرقه و اختلاف میان مسلمانان می‌شود تعصبات خواند و افزود: اندیشمندان و فرهیختگان به عنوان کسانی هستند که می‌توانند با این موضوع به مبارزه برخیزند و با اطلاع رسانی و آگاهی‌دهی راه را برای تقریب و وحدت مسلمانان هموار کنند.

این محقق و اندیشمند با اشاره به عناد و کینه ورزی در حق مسلمانان جهان افزود: با گرایش به سوی وحدت می‌توان با این کینه‌توزیها و تعرضاتی که بارها و بارها شاهد آن هستیم، مبارزه کرد. چرا که مسلمانان با وحدت تبدیل به قدرتی می‌شوند که می‌توانند با مشکلاتی که پیش روی آنهاست و آنها را به گونه‌ای محاصره کرده مبارزه کنند. چرا که

منجر می‌شود. زکی‌المیلاد تفکر و اندیشیدن درباره فرهنگ و تمدن اسلامی را تلاش برای اشاعه مفهوم وحدت اسلامی میان مسلمانان خواند و گفت: باید این مفهوم در اذهان مردم به خوبی جای گیرد، چرا که مفهوم ناشناخته‌ای نیست بلکه در تلطیف افکار و اعتقادات مسلمانان اهمیت بسزایی ایفا می‌کند.

وی با بیان اینکه پس از انجام گفتگوهای انسانی سازنده در یک جامعه اسلامی می‌توان آن را در پهنه جغرافیایی توسعه داد، تصریح کرد: اگر اطلاع رسانی و بیداری در این زمینه صورت گیرد زمینه ساز گفتگو در سطوح بالاتر می‌شود، به طوریکه می‌توان گفت نیاز اساسی به نقش گفتگوی تمدنها در داخل تمدنها به از بین بردن عناصر تعصب و مبارزه با آن

به گزارش خبرگزاری تقریب، زکی‌المیلاد سردبیر مجله «الکلمه» در گفتگو با خبرنگار تقریب با اشاره به اینکه نیاز به گفتگو بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، اظهار داشت: اگر گفتگوی درونی تمدنها، صورت گیرد بهتر خواهد بود و نقش مهمتری در ارتقاء و توسعه گفتگوی تمدنها در سطح بالاتر خواهد داشت.



عمل به قرآن سرمایه وحدت امت اسلامی است



جمعیت ۲۵ درصدی مسلمانان در جهان، مسیر های استراتژیک، مناطق با اهمیت، معادن فسیلی غنی، ۲۵ درصد بازار دنیا، مواد خام و نیروهای خوب و مکتب عالی که در شرایط حاضر در اختیار مسلمانان است اظهار داشت: اگر وحدت خود را حفظ کنیم این ما هستیم که می توانیم تهاجم فکری داشته باشیم. ابتدا باید خود را

توسعه را پیش گرفته و از آن بهره مند شویم و حیف است که به واسطه اختلافات چند گروه افراطی و خطرناک دچار تفرقه و مشکل باشیم. یادآور می شود، بیست و دومین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی با عنوان امت اسلامی چالش ها و راهکارها با حضور یکصد و شصت متفکر اسلامی از بیش از ۳۵ کشور جهان از ۲۳ تا ۲۵ اسفند ماه در محل مجلس قدیم شورای اسلامی و سالن کنفرانس سران اسلامی در حال برگزاری است.

منسجم کنیم تا آسیب پذیری کم شود و جوانان ما مایوس نشوند. آزادی و عدالت کافی بین زن و مرد در تمام تاریخ مشعشع اسلام و تمدن عظیم اسلامی نمایان است. حیف است که با اختلاف افکنی چند گروه افراطی ضربه بخوریم.

وی افزود: ما وظیفه داریم با عمل به اسلام انسجام خود را تشدید کرده و با عمل به سنت پیامبر در دادن آزادی و آزادی بیان به ملت ها و با بهره گیری از تمامی سرمایه های مکتبی و انسانی جغرافیایی و تاریخی و تمدنی راه

به هم نزدیک کردند و وحدت یافتند. هاشمی رفسنجانی ادامه داد: زمینه اختلاف در داخل کشورها و منطقه ها وجود دارد اما در این میان دشمنان برای ایجاد تفرقه برنامه ریزی می کنند. زمینه های اختلاف مشخص است، از این رو باید ابزار کار را هم جدی تر گرفت تا نیروهای امت اسلامی را در یک جهت قرار دهیم و دشمن را بشناسیم.

هاشمی با بیان اینکه تفکر آمریکایی ها هنوز تفکر دوران استعماری است ادامه داد: هدف پنهانی متجاوزین به کشورهای اسلامی پس از استقلال ظاهری به بیان خودشان به ثمر رساندن ۳ قرن تلاش برای اداره حساس ترین نقطه جهان خاورمیانه بود. اما اشغالگران دچار اشتباه بزرگی شدند. آنها تصویری از دنیا گذشته داشتند اما عصر جدیدی رقم خورد که پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان سر آغاز آن و توجه ملت ها به قدرت های مدیریت اسلام را جلب کرد.

هاشمی در پایان با اشاره به

بررسی کنیم این موضوع مطلوب نیست و جای درنگ و مطالعه دارد و عنوان این اجلاس می تواند تفکرات را بهتر به دنبال این مسئله بکشاند.

هاشمی عمل به معارف اسلام به ویژه قرآن را مبنایی برای عملی شدن اسلام دانست و گفت: عمل به قرآن می تواند سرمایه وحدت امت اسلام تلقی شود که سیره پیامبر هم در این رابطه بسیار گویاست.

وی با تأکید بر لزوم وحدت و جلوگیری از تفرقه در میان ملت های مسلمان جهان اظهار داشت: عمل کردن به مفاهیم اسلام در قالب قرآن به واقع سرمایه اصلی تمام ملت های مسلمان جهان است و آن چه که باید در عقاید، شیوه کار و حل اختلافات به عنوان پایه و اساس مورد تأکید قرار گیرد قرآن به عنوان محور عمل است. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به حضور پیامبر در مدینه گفت: مردم مدینه از پیامبر خواستند به رفع مشکلات کمک کنند بنابراین پیامبر معاهده ای با عشایر قبایل و اهل کتاب امضا کردند و دو وزنه سنگین را

رئیس مجلس خبرگان گفت: عمل به دستورات قرآن مبنایی برای عملی شدن اسلام است و می تواند سرمایه وحدت امت اسلام تلقی شود که سیره پیامبر هم در این رابطه بسیار گویاست و عمل کردن به مفاهیم اسلام در قالب قرآن به واقع سرمایه اصلی تمام ملت های مسلمان جهان است و آن چه که باید در عقاید، شیوه کار و حل اختلافات به عنوان پایه و اساس مورد تأکید قرار گیرد، قرآن به عنوان محور عمل است.

آیت الله هاشمی رفسنجانی با اشاره به این که هدف از برگزاری این اجلاس ها تأمین وحدت امت اسلامی است، اظهار داشت: مطالب مطرح شده در این کنفرانس ها تاکنون مجموعه های باارزشی فراهم کرده است که اگر مبنا قرار گیرد برای پیشرفت در وحدت اسلام حائز اهمیت است.

هاشمی رفسنجانی با بیان اینکه ۲۲ سال از برگزاری این کنفرانس می گذرد، افزود: اگر بخواهیم به واقع وضع وحدت در میان امت اسلامی را

بیانیه کنفرانس وحدت اسلامی:

اختلافات جزئی مسلمانان نباید موجب مشکلات سیاسی شود

انجام هرگونه تلاشهای دلسوزانه در این راه را تأیید می نمایند. شرکت کنندگان در این کنفرانس حمایت خود را از هرگونه اقدامی که منجر به حل و فصل مشکل دارفور می شود و آشتی ملی در سودان را فراهم می آورد تأیید و هرگونه اقدام دادگاه بین المللی را در صدد بازداشت البشیر رئیس جمهوری سودان گردیده است را محکوم و نادیده گرفتن جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی از سوی این دادگاه را محکوم کردند.

در بخش دیگری از بیانیه کنفرانس وحدت اسلامی آمده است: شرکت کنندگان در کنفرانس به جهاد ملت ایران و مسئولان این کشور در جهت اجرای شریعت خداوند در بخشهای گوناگون زندگی خود درود می فرستد و هرگونه توطئه علیه این حرکت شایسته را محکوم می نمایند و همچنین حمایت خود را از مواضع جمهوری اسلامی ایران در روند پیشرفته نمودن توانایی هسته ای خود در بخشهای مسالمت آمیز اعلام داشته و کلیه روشهای پیچیده ای را که در تلاش برای جلوگیری از استفاده ایران از حق مشروع خود که بر اساس قوانین بین المللی انجام می گیرد محکوم می نمایند و از کشورهای جهان اسلام خواهان بهره گیری از این تجربه می باشند.

بیان شده اند. شرکت کنندگان در این کنفرانس هرگونه تجاوز صهیونیستی علیه ملت شکیبای فلسطین را محکوم نموده و به جهاد ملت قهرمان فلسطین و مقاومت شجاعانه این ملت درود فرستاده، از تلاشهای وحدت ملی آن حمایت کرده و بار دیگر بر لزوم پایبندی به اصول تغییرناپذیر حقوق این ملت و لزوم تضمین حق بازگشت پناهندگان تأکید کرده و خواستار محاکمه جنایتکاران صهیونیستی شدند.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: شرکت کنندگان در این کنفرانس اعلام می دارند مقاومت حق مشروع ملتهاست و با حربه هایی که نام آن را تروریسم نهاده اند تفاوت ریشه ای دارد و ترور چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی که احتمالاً برخی کشورها آن را اعمال می نمایند از نظر اسلامی و انسانی محکوم است و بدین مناسبت شرکت کنندگان در این کنفرانس به پیروزی چشمگیر مقاومت قهرمان در لبنان و فلسطین افتخار می نمایند.

این بیانیه می افزاید: شرکت کنندگان در کنفرانس از کلیه جناحهای موجود در سומالی درخواست گفتمان و همکاری در آبادانی سومالی نوین و مستقل بدور از هرگونه خونریزی و کشمکش کرده و

شخصیت با کرامت و یا ناشی از انباشته های تاریخی کینه توزانه آنها است. از این رو لازم است روند گسترش آگاهی دادن و معرفی شخصیت رسول اکرم در سراسر جهان صورت گیرد تا مردم به روشنی بدانند آن حضرت مانند سایر برادران پیامبر خود به عنوان رحمتی اهدایی به همه بشریت و کامل کننده فضایل اخلاقی انسانی و نوری است که آنان را به راه راست هدایت می نماید.

در ادامه این بیانیه آمده است: اختلاف عقیدتی و یا تاریخی یا فقهی نباید موجب اختلافات سیاسی مسلمانان شود. برانگیختن هرگونه فتنه فرقه ای و یا قومیتی تنها به نفع دشمنان امت بوده و طرحهای فریبنده آنها را علیه این امت تحقق می بخشد و موجب تقویت اشغال ظالمانه سرزمینشان از سوی دشمن می گردد.

در راستای تحقق وحدت میان مسلمانان اهل قبله و تقریب میان مذاهب اسلامی، شرکت کنندگان در این کنفرانس بر لزوم احترام هر یک از پیروان مذاهب اسلامی به طرف دیگر و عدم تعرض به عقیده یکدیگر و یا به شعائر و یا فقه او در رسانه های جمعی و سخنرانی های عمومی تأکید نموده و خواستار واگذاری این گونه امور به علما و کارشناسان در بحثهای علمی آنان و عدم اهانت به بهانه صراحت

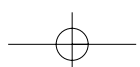
تأکید کردند نیاز مبرمی به ایجاد طرحهای مفصل راهبردی از جمله بالا بردن سطح آگاهی میان مسلمانان در زمینه های گوناگون، تشویق به تعمیم اجرای شریعت اسلامی در زمینه های مختلف، فعال نمودن روند آموزشی و پرورشی فراگیر در بخشهای گوناگون بر پایه آموزه های اسلام در تلاش برای دسترسی به یکپارچه سازی موضع واحد بطور عملی در مسائل گوناگون و تحقیق همیاری و همبستگی میان آنها در زمینه های مختلف وجود دارد. تقویت نهادهای فعالیت مشترک اسلامی همچون سازمان کنفرانس اسلامی و سازمانهای غیر رسمی تبلیغی و خیریه ای و آموزش و پرورش و اطلاع رسانی و استفاده بهینه از امکانات سیاسی و اقتصادی و جغرافیایی از توانهای علمی امت و بسیج نمودن آن در جهت تحقق هدفهای بزرگ و مقاومت در برابر چالشها، از دیگر ضرورتهای مورد تأکید در این بیانیه هستند.

شرکت کنندگان در این کنفرانس معتقدند آنچه گاهگاهی از سوی رسانه های گروهی غربی و صهیونیستی و آنچه در نوشته های برخی نویسندگان غربی به منظور توهین به شخصیت رسول اکرم (ص) درج می نمایند نشانگر نادانی فاحش آنها به ابعاد انسانی والای این

در بیانیه پایانی بیست و دومین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی با تأکید بر ضرورت ارتقای آگاهی اسلامی به منظور مقابله با توطئه های دشمنان یادآوری شده است: اختلافهای جزئی مسلمانان نباید موجب اختلافات سیاسی شود.

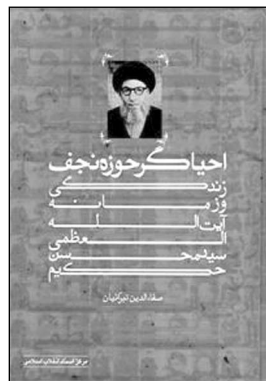
شرکت کنندگان در این کنفرانس تأکید داشتند که امت اسلامی با چالشهای بزرگی روبروست که شخصیت و فرهنگ و عناصر اساسی موجودیت و نقش تمدنی مطلوب آن را مورد هدف قرار داده و سعی در عقب نگه داشتن این امت در زمینه های علمی، اقتصادی و نظامی و غیره داشته، طرحهایی جهت دور نمودن او از اسلام و ایجاد تشکیک در توان اسلام برای مقابله با مشکلات زندگی و تقلید از غرب و وابستگی و شیفتگی به آن دارد.

در بیانیه پایانی بیست و دومین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی همچنین آمده است: امت اسلامی متأسفانه دچار حالت افراط گرایی و جمود فکری و عقب افتادگی در اندیشه و جهالت و تعصب گردیده و گرفتار تنگ نظری برخی جهت منافع شخصی خود شده که این مسئله تشویق کننده ایجاد چند دستگی و اعمال برخی از رفتارهای تحریک آمیز در جای جای جهان اسلام شده است. شرکت کنندگان در کنفرانس بر



معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

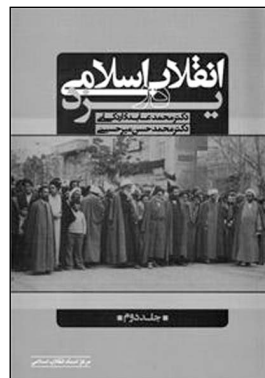
احیاگر حوزه نجف زندگی و زمانه آیت الله العظمی حکیم



مطالعه و بررسی زندگی علمای بزرگ می‌تواند ما را با ابعاد مختلف زندگی آنان آشنا سازد و این امکان را فراهم می‌آورد تا نقش آنان را در تحولات سیاسی - اجتماعی بازخوانی نماییم. حضرت آیت الله العظمی سیدمحسن حکیم که یک دهه مرجعیت جهان تشیع را برعهده داشت و مخالف اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست بود، یکی از علمای طراز اول است که آشنایی با زندگانی و زمانه‌ی ایشان، ما را با مبارزات علمای شیعی به‌طور فراگیر آشنا می‌سازد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای رسالت علمی خویش، اقدام به انتشار این کتاب برای شناخت هرچه بیشتر ایشان کرده است. در این مجموعه‌ی ارزشمند تلاش شده است تا تمام ابعاد شخصیتی حضرت آیت الله العظمی حکیم، از جمله خانواده، شاگردان، مبارزات، مقام علمی، رویکردهای حکیمانه و ده‌ها مطلب دیگر به خوانندگان عرضه شود.

مجموعه این تلاش ارزشمند همچنین قادر است ما را با بخش مهمی از تاریخ سیاسی - اجتماعی سده‌ی اخیر عراق و نقش علمای مجاهد در آن آشنا سازد

انقلاب اسلامی در یزد (جلد دوم)



هدف این نوشتار تبیین نقش و جایگاه شهر یزد در انقلاب اسلامی و توصیف و تحلیل تأثیر و نحوه‌ی حضور در صحنه و مبارزه‌ی اقشار مختلف مردم، روحانی، معلم، کاسب، تاجر، دانش‌آموز، دانشجو، پزشک، کارگر، زن و مرد و... بر ضد نظام ضد اسلامی پهلوی است. غفلت از این اقدام، نابخشودنی و ظلم به مردم و علما و تمام مبارزان راه آزادی است. چگونه می‌توان از توصیف و تحلیل لاقابل‌گوشه‌هایی از ایثار و فداکاری و جراحت و شهادت و خون و اشک و آه و داد و فریاد و شعار و شعور مردم این شهر تاریخی و مذهبی در طول دوران مبارزه با نظام ستمشاهی صرف نظر کرد؟! البته آنچه در این کتاب رقم خورده، توصیف و تحلیل صرفاً بخش‌های اندک و کوچکی از حجم گسترده‌ی اقدامات و مبارزاتی است که

قبل و بعد و حین انقلاب در شهر یزد صورت گرفته و قطعاً خالی از اشکال نیست. از این رو، امید است که صاحب‌نظران و پژوهشگران با تلاش‌های علمی و پژوهشی خود نواقص و کاستی‌های پژوهش حاضر را برطرف کنند و در جهت تکمیل و ارتقای آن بکوشند. مرکز اسناد انقلاب اسلامی با ثبت وقایع و تحولات انقلاب اسلامی در شهرهای مختلف ایران، با در نظر گرفتن نقش اقشار و اصناف جامعه و گروه‌های مختلف سیاسی به این مهم جامه‌ی عمل می‌پوشاند.

خاطرات خانم بهجت افراز (ام‌الاسراء):



خانم بهجت افراز در سال ۱۳۱۳ ش در خانواده‌ای مذهبی در جهرم به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۰ به استخدام رسمی آموزش و پرورش درآمد. و پس از چند سال خدمت در جهرم به شیراز و از آنجا به تهران منتقل شد. در تهران او و خواهرانش برای تدریس به مدرسه رفاه رفتند و همچنین خواهرانش رفعت و محبوبه به عضویت سازمان مجاهدین

خلق درآمدند. خانم افراز در مراسم استقبال از امام خمینی (ره) در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ شرکت داشته و حوادث ۲۲ بهمن آن سال در تهران را از نزدیک دیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی خانم افراز به مدیریت مجتمع آموزشی آمد کرج انتخاب شد. پس از آن، به مدت یک سال در سفارت جمهوری اسلامی ایران در هند خدمت کرد. پس از بازگشت به ایران، از سال ۱۳۶۳ به خدمت در جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مشغول و به مدت هجده سال به فعالیت ادامه داد. وی اداره امور اسرا و مفقودان را تأسیس و در امور مربوط به آنها تلاش‌های مستمری نمود.

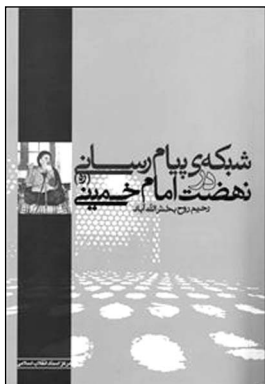
خاطرات حاج حسین سلیمانی از محافظان حضرت امام:



آقای حاج حسین سلیمانی با حضور در دفتر و بیت حضرت امام در جماران به عنوان محافظ، ضمن کسب فیض از آن بزرگوار، توفیق خدمت به ایشان را نیز پیدا کند. آقای سلیمانی که از نزدیک در جریان فعالیت‌های کاری و حتی خانوادگی حضرت امام قرار

داشت. خاطرات بسیار شیرینی از آن دوران نقل می‌کند که شنیدنی است که این مجموعه در دو بخش: "در کنار یار" و "در فراق یار" تنظیم شده است.

شبکه پیام رسانی در نهضت امام خمینی:



در نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، با توجه به ماهیت آن، وعاظ و گویندگان مذهبی نقش مهم و اساسی داشته‌اند. استفاده ایشان از منبر در جریان تبلیغ و نشر نهضت اسلامی موضوعی است که در این پژوهش بررسی شده است. در کنار وعاظ و گویندگان انقلابی، که سرآمد ایشان در آغاز نهضت اسلامی مرحوم فلسفی است، باید به نقش و تأثیر تبعیدی‌های نهضت در گستراندن آموزه‌های انقلابی در شهرهای محل تبعید اشاره کرد که در همراهی و همسویی آن نواحی با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نقش بسزایی داشتند.

این کتاب به بررسی نقش منبر در پیام رسانی و رویکردهای مبارزاتی وعاظ و نقش تبعیدی‌ها در نهضت امام می‌پردازد.

حضرت معصومه؛ زینب ثانی

کند، بهشت بر او واجب است..

حضرت معصومه (س) بانویی آگاه از حوادث روز و محدثه‌ای سخنور و معلمه‌ای توانا بوده است و شاگردان زیر نظر ایشان به تعلیم اصول اسلامی مشغول بوده‌اند. همچنین کرامات زیادی از ایشان نقل شده است که نشان می‌دهد این بانوی مؤمنه و دریادل از روحی بزرگ و شائی رفیع در پیشگاه خداوند برخوردار است. امام صادق (ع) می‌گوید:

«الای قم حرمی... تقبض فیها امرأة من ولدی و اسمها فاطمة بنت موسی یدخل بشفاعتها شیعتی الجنة باجمعهم».

ای مردم! شهر قم حرم من است، بانویی از فرزندان من در این شهر در می‌گذرد که نامش فاطمه دختر موسی است و شیعیان در روز قیامت با شفاعت او به بهشت می‌روند.

در روایتی دیگر از امام رضا (ع) آمده است: «من زارها عارفاً بحقها فله الجنة».

کسی که قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر را آن گونه که شایسته اوست زیارت کند، بهشت از آن اوست. نقل شده است که آیه:

«ان یشا یدهبکم ایها الناس و یات باخرین و کان الله علی ذالک قدیراً»

ای مردم اگر خداوند بخواهد می‌تواند شمارا از این دنیا ببرد و قومی دیگر راجانشین شما سازد و خداوند بر این کار قادر است.

بر پیامبر نازل شد، آن حضرت دست بر شانه سلمان فارسی گذاشت و فرمود:

«آنان هموطنان سلمان هستند».

منبع: www.masoumeh.com

دفن آن بزرگوار، به دلیل نبودن محرم، آل سعد دچار مشکل شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که پیرمردی به نام «قادر» این کار را انجام دهد.

ولی قادر و حتی بزرگان و علمای شیعه قم هم لایق نبودند عهده‌دار این امر مهم شوند؛ چرا که معصومه اهل بیت را باید امام معصوم (ع) به خاک سپارد.

مردم منتظر آمدن آن پیرمرد صالح بودند که ناگهان دو سوار را دیدند که از جانب ریگزار به سوی آنان می‌آیند. وقتی نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شده و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سردابی که از قبل آماده شده بود دفن کردند و بدون این که با کسی تکلم نمایند، سوار شده و رفتند و کسی هم آن‌ها را نشناخت.

به قول یکی از بزرگان، هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار، امامان معصومی باشند که برای این مهم به قم آمدند.

پس از به پایان رسیدن مراسم دفن، موسی بن خزرج سایبانی از حصیر و بوریا بر قبر شریف آن بزرگوار برافراشت و این سایبان بر قرار بود تا زمانی که حضرت زینب، دختر امام جواد (ع)، وارد قم شد و قبه‌ای آجری بر آن مرقد مطهر بنا کرد.

و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به اهل بیت (ع) و دارالشفای دلسوختگان عاشق ولایت و امامت شد.

مقام و منزلت معنوی حضرت معصومه (س) امام جواد (ع) فرمود: «من زار عمتی یقم فله الجنة» یعنی: هر کس عمه مرادر شهر قم زیارت

سرانجام آن همه شوق و شور و شفع از اجلال نزول کوب و ولایت و توفیق زیارت بانویی از تبار فاطمه اطهر با افول نجمه آسمان عصمت و طهارت، مبدل به دنیایی از حزن و اندوه شد، و این غروب غم انگیز، عاشقان امامت و ولایت را در سوگ و عزاناشاند. در خصوص علت بیماری ناهنگام حضرت و مرگ زودرس آن بزرگوار، گفته شده است که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود. این مطلب با توجه به درگیری دشمنان اهل بیت با همراهان حضرت و شهادت عده‌ای از آن‌ها در «ساوه» و جو نامساعد آن شهر و حرکت ناهنگام آن بزرگوار در حال بیماری به سوی شهر قم، بعید به نظر نمی‌رسد. آری، آن حضرت که می‌رفت زینبوار با سفر پربرکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی باشد و همانند قهرمان کربلا پیام آور خون سرخ برادری باشد که این بار مزدورانه به قتلگاه بنی عباس برده می‌شد، ناگاه تقدیر الهی بر این قرار گرفت که مرقد آن بزرگوار حامی خط ولایت و امامت قرار گیرد و بی برای همیشه تاریخ فریادگر مبارزه با ظلم و بی عدالتی ستم پیشگان دوران و الهام بخش پیروان راستین تشیع علوی در طول قرون و اعصار باشد.

بعد از وفات شفیعه روز جزا که در دهم ربیع الثانی سال ۲۰۱ هـ - ق در ۲۸ سالگی آن حضرت اتفاق افتاد، ایشان را غسل داده و کفن نمودند و سپس به سوی قبرستان «بابان» تشییع کردند، ولی به هنگام

ادامه از صفحه اول

بدین جهت، حضرت معصومه (س) برای افشای چنین خیانتی عازم شهرهای ایران شده و به افشاگری علیه آنان پرداخت.

در واقع در سال ۲۰۱ هـ - ق. یک سال پس از سفر تبعید گونه حضرت رضا (ع) به «مرو» حضرت فاطمه معصومه (س) همراه عده‌ای از برادران خود برای دیدار برادر و انجام رسالتی که بر عهده داشتند تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد. در طول راه به شهر ساوه رسیدند؛ ولی از آنجا که در آن زمان عده‌ای از اهالی از مخالفان اهل بیت بودند، با مأموران حکومتی همراهی نموده و با همراهان حضرت وارد نبرد و جنگ شدند و عده‌ای از همراهان حضرت در این حادثه غم انگیز به شهادت رسیدند. حضرت در حالی که از غم و حزن بسیار، بیمار شده بود، با احساس ناامنی در شهر ساوه فرمود:

«مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: «شهر قم مرکز شیعیان ماست».

سپس حضرت به طرف قم حرکت نمود. بزرگان قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند، به استقبال آن حضرت شتافتند. و در حالی که موسی بن خزرج «بزرگ خاندان اشعری» زمام شتر آن مکرمه را به دوش می‌کشید؛ ایشان در میان شور و احساسات مردم قم وارد آن شهر شد و در منزل شخصی «موسی بن خزرج» اجلال نزول فرمود. آن بزرگوار هفده روز در شهر قم به سربرد و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود و واپسین روزهای عمر بر برکت خویش را با خضوع و خشوع در برابر ذات پاک الهی به پایان رساند.

سخنانی که پایه گذار حکومت شد

به قلم جواد نوری المالکی، نخست وزیر عراق



مقاله آقای جواد نوری المالکی، نخست وزیر کنونی عراق در کتاب ثوره الفقهیه و دولته تألیف آقای حمید حلمی زاده، چاپ ۲۰۰۳ دمشق، منتشر شده است که تقدیم خوانندگان می شود. جنبش سیاسی یکی از برجسته ترین راهکارهای اقدام سیاسی به شمار می آید که تمامی توجّهات حزب و جنبش و شخص واهداف آن که برایش مجاهدت می کند بر آن استوار است، و موفقیت راهکار سیاسی و سلامتی و دور ماندن آن از هرگونه عیب و واقع بینی و هماهنگی آن با مشخصه های زندگی ملت و پایه های اندیشه و اعتقادات و آرزوها و رنجهایی که انقلاب به دنبال آن مردم و جنبش آنان را در مسیر درست و صحیح قرار داده و تنها زمان وادامه جنبش و استوار ماندن آن است که فاصله آن را تا پیروزی فاصله انداخته است.

به هنگام سخن درباره راهکاری که امام خمینی (رض) و مردمش به وسیله آن به کرانه پیروزی بی سابقه قرن بیستم رسیدند، می توانیم به تنها تجربه بی همتا دست یابیم که توانست مضامین و شعارها و اندیشه هایی دست یابیم که دهه ها سخنرانی در مناسبتهای گوناگون آن را دربر گرفت. پیش از سخن درباره واژه هایی که سخنرانی های امام خمینی (رض) آن را دربر گرفت، به حقیقتی اشاره می کنیم که با افتخار در باره امام خمینی (رض) به ثبت رسیده و آن این است که وی توانست با سخنان خود در صحنه، در مرحله بسیج ملت ایران، حالتی واقع بینانه بیخشد و در نتیجه بر تحکیم و گسترش روحیه انقلابی مردم افزایش دهد و هنگامی که با عبور از پل انقلاب به دستیابی به حکومت و شعارهای آن رسید، بسیاری از ناظران سیاسی در جهان گمان کردند که امام در مدرنیزه کردن شعار حکومت و پشت سر نهادن مرحله انقلاب با شکست روبه رو خواهد شد، چه شعار انقلابی در بسیاری از نمایه های آن با انقلاب و حکومت متفاوت است.

اما امام خمینی (رض) ثابت کرد که توان بسیار بالایی در مدرنیزه کردن شعار انقلابی هماهنگ با خط حکومت انقلابی در اختیار دارد، که توانست آرمان انقلابی خود را از طریق اقدامات حکومتی نگه دارد و در عین حالی که به دور از آن شعارهایی که انقلاب برای ماندن در صحنه بدان نیاز داشت، رهنمودهای سیاسی توانمندی برای کنترل عملکرد آن در دو مرحله انقلاب و حکومت با توجه به ارزشهای والا و هدفهای با عظمت آن در اختیار داشت.

امام خمینی (رض) با توجه به جدیت زود هنگامی که از خود در شناخت جوانان و شور و شناخت آنان درباره جامعه نشان داد، توانست ویژگیهای ملت خود را در زمینه اینار واز خودگذشتگی و پیروزی و موفقیت و همچنین ناکامی های جامعه خود را در یاد ضمن آن که با ویژگیهای حکومت شاه و نهادها و نقاط قوت و ضعف آن آشنا شود که در نتیجه رهنمودهای وی بسیار زود هنگام مطرح گردید و حرکت وی بر اساس یک روش هماهنگ صورت گرفت که درستی شناخت و بیداری وی درباره رویدادها و ناهمگونی های پیرامون خود را به اثبات رساند که در نتیجه یک حرکت زود هنگام و جهشی بر اساس یک روش همگون و متناسب به وجود آمد که قدرت و توان تشخیص و بیداری در برابر آنچه که پیرامون خود می گذرد را به اثبات رساند و در

نتیجه یک حرکت فزاینده ای به وجود آمد که به رویداد ۱۹۶۳ انجامید و به دنبال آن امام به خارج از ایران تبعید گردید و در نهایت به اقامت در نجف اشرف منتهی شد. بنابر این نمایان می شود که امام راه خود را کنار نگذارد تا بار دیگر آن را از نو آغاز کند، بلکه آن را از همان جایی که در سال ۱۹۶۳ بدان رسیده بود، ادامه داد.

در اینجا ویژگی خاص راهکار امام مطرح می گردد که همان خالی بودن آن از هرگونه جای رخنه است که در حقیقت اوج جوانی انقلاب و پیوند اجزای آن در یک روند تصاعدی بود که تمامی درها را به روی اندیشه های ضعیف و واپسگرا و ناتوان بست.

در اینجا می توانیم بعضی از واژه های راهکار سیاسی انقلابی امام را برگرفته از میان قرائت سریع بعضی از سخنرانی هایش مطرح کنیم:

۱- سخنرانی بسیج کننده، شعار را در بر می گیرد تا به مخاطبین خود اشاره کند که در برابر نبردی هستند طولانی و آنها را بر اساس الگوهای سلف صالح که در نبردها و انقلابهای خود به کار گرفتند برای شرکت در آن بسیج می کند تا بفهماند که در امتداد آن سلف و در راه حق مطلق قرار دارند، امام در تجربه امام حسین (ع) بهترین نمونه والگورا با شعار (کل أرض کربلاء وکل يوم عاشورا) یافت.

سخنرانی های بسیجی امام به گونه ای سهل و ممتنع بود چون در واژه هایش به گونه ای آسان بود که حتی کارگران و کشاورزان به آسانی می توانستند آن را درک نمایند و ممتنع بود چون سرچشمه گرفته از تجربه و دانایی و خرد بود که هیچکس نمی توانست با آن همسویی کند مگر تحصیلکرده ای که همان ویژگیها را داشته باشد.

۲- سخنرانی های مردمی که در متن و محتوای آن مسائل مختلف مردمی را از هر قشر و طبقه مطرح می کند و تمامی نیازهای وی را مورد بررسی قرار می دهد تا آنجایی که هر ایرانی بلکه هر مسلمان احساس می کرد گویی سخنان امام در ارتباط با اوست و وی را به کوشش دعوت می نماید و برای جهاد در راه اسلام بسیج می کند و از جمله سخنان امام خطاب به عموم مردم: ای مسلمانان مؤمن به حقیقت اسلام، برخیزید و صفهای خود را زیر پرچم توحید و در سایه تعلیم اسلام وحدت بخشید و دست ابر قدرتهای خائن را از کشورهایتان و ثروتهای فراوانتان قطع کنید و عظمت اسلام را بازگردانید و از اختلاف و هوای نفس پرهیزید که شما همه چیز در اختیار دارید (۱) / و روشن است که این سخنان تا چه اندازه برای تمامی مسلمانان باسواد

و تأکید کرد که هدف نهایی سرنگون کردن خاندان پهلوی و برقراری حکومت الله است.

۴- فراگیری و گستردگی افقی که امام در لابلای آن حرکت می کرد چه این که تنها در محدوده ایران نمی اندیشید و رویارویی ها وی را از مسائل مسلمانان باز نداشت و سخنرانی هایش تنها خطاب به یک قشر و منحصر به یک گونه از سخنان نبود و این یک ویژگی مردی با اندیشه های باز و روشن و مسئولیت پذیری متناسب با فاجعه ای که بر مسلمانان در سراسر جهان می گذشت و این فراگیری راه را در برابر امام خمینی (رض) باز گذارد تا پایه های روابط را با ملت های مسلمان که وقتی در سخنان امام گرمی احساس مسئولیت در برابر مسائل خود یافتند، دل هایشان را برای سخنانش باز کرده بودند، تحکیم بخشد و از جمله این سخنان فراگیر: مشکل مسلمانان تنها مشکل بیت المقدس نیست، چون این فقط یکی از مشکلات مسلمانان است. مگر پاکستان از مشکلات مسلمانان نیست مگر ترکیه از مشکلات مسلمانان نمی باشد باید با دقت درباره ریشه های این مشکلات که همه مسلمانان را فرا گرفته است، بیندیشیم و راه حلهایی برای آنها پیدا کنیم (۲) / و در سخنان دیگری امام (رض) فرمودند: بدانید که ما در جنگ با عراق نیستیم چون ملت عراق از انقلاب اسلامی ما پشتیبانی می کند، ما با امریکا در نبرد هستیم و امروزه دست امریکا در حکومت عراق مجسم شده است (۳) /

۵- از میان برداشتن دیوار سکوتی که بر حوزه علمیه حاکم بود و شکستن دیوار ترس که سیاست سرکوب و قلع و قمع آن را برقرار کرده بود و در عین حال حوزه می دانست هر چه ضخامت این دیوار بیشتر باشد باید برای از میان برداشتن آن بیشتر و گسترده تر اقدام کرد چون این جنبش با بودن این دیوار و سکوت مردم نمی تواند به فعالیت بپردازد و با گسترش پدیده رویارویی جرأت مردم علیه نظام بیشتر شد و امام در سخنانش و موضعگیری هایش مردم را به گسترش مخالفت با رژیم تشویق می کرد. و اگر چه پیامهای نخستین در ایجاد پدیده رویارویی موفق نبود اما تکرار پیامهای امام همچنانکه معمول شده بود، پدیده ترس را از میان برداشت. همچنانکه قبلا دیوار سکوت و ترس را از میان برداشته بود. امام در یک سخنرانی در ۲۶/۱۷/۱۹۸۱ خطاب به ملت خود و ملل جهان اسلام فرمودند: آنچه را که می خواهم بر آن تأکید کنم آنست آنچه را گفته می شود نمی توان با ابر قدرتها مواجه کرد را از سرتان بیرون کنید و بر این کار مصمم شوید خواهید توانست چون خداوند از شما پشتیبانی و حمایت می کند، آنچه که مزدوران استعمار شایع می کنند که شما نمی توانید بدون حمایت یکی از ابر قدرتها زندگی کنید همه اش صد درصد دروغ و اشتباه است. بر پای خود با قوت و قدرت بایستید و با خدا باشید و سعی کنید پیش از هر چیزی انسانی ترقی کنید، آنوقت خدا به کمک خواهد شتافت.

در اینجا می توان با اطمینان گفت که واژه های سخنان امام را بسیاری از رهبران می توانند مطرح کنند و شاید زیباتر و با بیانی رساتر و منطقی قوی تر عنوان نمایند ولی نمی توانیم با آن واژه ها موفقیتی را به دست آوریم مگر این که دو موضوع را در نظر داشته باشیم.

نخست، صداقت با نفس و ملت به دور از

و بیسواد بطور یکسان دربرگیرنده است. چون بخشهای آن از واقعیت موجود در جامعه سرچشمه گرفته و مورد نیاز همه می باشد و اگر فرصتی می بود همراه این متن بحث و مطالعه بسیار وسیع و دربرگیرنده مطرح می نمودیم.

۳- صداقت و صراحت گویی و شجاعت، امام خمینی (رض) با صداقت و صراحت گویی و روشنی که در سخنانش داشت، سیاستهای همه رهبران جهان و تعامل آنان با ملت هایشان را پشت سر گذارد و آنچه تمام نمای حقیقی بود که آن واقعیتی را منعکس می کرد که مردم به هنگام گرفتاری بدان پناه می بردند، صراحت امام همانند شمشیر برانی بود که با هیچکس تعارف نداشت و با احساسات، با کسی رفتار نمی نمود، او زبان سخنگوی حقیقت با مردمش بود که با شجاعت با آنان سخن می گفت و مردم سخنانش را می پذیرفتند و برای تشخیص درمان به سوی وی می شتافتند چون هیچگونه پنهانکاری خطرناک در کارش نبود و موضعگیری هایش بسیار روشن و به دور از هرگونه پوشش می نمود که بطور معمول تردید را میان رهبران و ملت هایشان به دنبال داشته باشد. امام (رض) شجاعت خود را، چنین بیان می کرد: "هیچگاه ترس به دلم راه نیافت." و این شجاعت امام همه آنانی را که به همراهش برای بازگشت به ایران در هواپیما بودند بر انگیخت.

در حالی که احتمال از میان رفتن وی مطرح بود و آنان هیچگونه افزایش ضربان قلب امام را ملاحظه نکردند و وی با آرامش در هواپیمای مرگ احتمالی به خواب رفت، اما در رویارویی با حکومت پهلوی وی از هیچ چیز ترس و واهمه نداشت و از قدرت آن و کسانی که از آن طرفداری می کنند ترسی به خود راه نداد و هرگاه فرصتی پیش می آمد آسمان را برایش مه آلود می کرد و چشمان ملت ایران را در برابر حقایق فساد آن دوران روشن می نمود و در این راه نه زندان و نه اعدام و نه تبعید و نه حتی خونها، وی را از ادامه راه باز نداشت. و او همچنانکه در وجودش محبت داشت، در پشتیبانی از انقلاب وادامه راه آن تا پیروزی نهایی، استوار و شجاع بود. هنگامی که بعضی از رهبران انقلاب در داخل به وی اطلاع دادند که بهتر است تظاهرات متوقف شود چون خونهای بسیاری ریخته شده است، اما در آن هنگام در فرانسه بود و همچنین هنگامی که بعضی از مراجع دچار عقب نشینی در موضعگیری های خود شدند و به شعارهای اصلاح طلبانه اکتفا کردند تا خود را از بن بست نجات دهند، امام همچنان بر رد هرگونه اصلاحات اصرار نمود

هرگونه دورویی و فریبکاری و گمراهی که در این صورت همه چیز فقط برای دستیابی به قدرت خواهد بود. دوم، اعتماد به خداوند و پیروزی و توکل بر او و معامله با رویدادها بر اساس تقبل مسئولیت شرعی به دور از در نظر گرفتن قدرت و حکومت و مسئله را به پشتیبانی خداوند واگذار کردن و امام هنگامی که بعضی از خبرنگاران بر او خرده گرفتند و گفتند که شما می خواهید حکومتی را بر پا کنید ولی نه دولتی از شما حمایت می کند و نه حزبی و نه نیروی نظامی، و امام در پاسخ سخنی فرمودند که برای همه جهانیان به عنوان درس باقی ماند: "من وظیفه ای دارم همچنانکه وظیفه نماز را برعهده دارم و اما پیروزی از سوی خداست."

۶- گرد آوردن اصالت در عملکرد و مدرنیسم در روش و این معادله سخنرانی سیاسی است که به دشواری می توان تمامی جنبه های آن را یکجا دربر گرفت و چه بسا رهبران سیاسی بودند که در یک طرف معادله قرار گرفتند که چهره ای از گذشته را در شکل و محتوای علمی در اختیار داشتند و یا انعکاسی از واقعیت موجود همراه دوری کامل از گذشته را به همراه داشتند که حالت روحی و شتاب پیگیری را در پی داشتند اما برنامه ای ساکن وبدون تحرک وجوشش که بر اساس داده های گذشته استوار است و نمی تواند واقعیت موجود را پشت سر بگذارد و یا ارتباط با عمق شگفتی برانگیز آن را درک نمایند و به بهانه همسویی با پیشرفت و زمانه تنها به دنبال اندیشه ها و افکار وارداتی باشد.

امام خمینی (ره) مرجعی بود که روش سنتی مرجعیت را در عملکرد و روش و ابزارها دنبال می کرد و به سلف صالح در این زمینه و حتی در برنامه درسی خود بر فقه و علوم که از حوزه علمیه و از بزرگان مکتب اهل بیت(ع) همانند جواهری و انصاری و قبل از آنها شیخ طوسی به ارث برده بود تکیه می کرد، اما تمامی این سنت های حوزوی، وی را از چشم دوختن به تجدد طلبی در نقش مرجعیت و وظایف آن و احیای جنبه هایی که در اجرا آن را کنار می گذارد، دور نکرد و مهمترین برجستگی که وی در عملکرد مرجعیت و حوزه افزود، وارد کردن آن در صحنه نبرد سیاسی بود که بر ضرورت برپایی حکومت اسلامی بود که آن را یکی از مهمترین وظایف می شمرد بخصوص که دیگر وظایف دینی با آن حفظ و نگهداری می شود. و فراتر از آن نیز رفت و آن هنگامی بود که بر فعالیت جنبش اسلامی به عنوان یکی از روشهای بسیج و آماده سازی کادرهای جامعه اسلامی تکیه داشت که سعی می کرد در روند رویارویی، خود را بر دیگران تحمیل کند و حزب جمهوری اسلامی یک صیغه خاص در اسم و محتوی بود که حوزه آن را مخالف با اسلام و یک صیغه غربی وارداتی می دانست، همچنانکه سیاست را مخالف با ارزشها و اخلاق می شمردند.

پوشیده نیست که این حزب مورد توجه امام خمینی (رض) قرار داشت و برجسته ترین شاگردان امام و مردان انقلاب از مؤسسان این حزب بودند از جمله کمیته مرکزی آن بود از جمله آیت الله سیدعلی خامنه ای و حجت الاسلام رفسنجانی و آقای باهنر و دبیر کل حزب به هنگام تأسیس شهید محمد حسین بهشتی که با واژه هایی بر وفاداری به امام سخن می گفت که بسیاری از پیروان روش سنتی آن را درک نمی کردند از جمله این که می گفت حزب پرستشگاه من است که البته مقصود وی این بود که حزب ابزار و وسیله ای از وسایل خداوندی برای تقرب به خداوند است و از طریق آن می توان مفهوم طاعت و عبادت را محقق نمود.

امام خمینی (رض) هنگامی که رهبران یک حزب را به حضور پذیرفت، پشتیبانی خود را از مفاهیم امروزیین حزبی مورد تأکید قرار داد و بر اهمیت به کار بستن نهایت کوشش تشویق کرد و این که زمان برای حرکت آنان مناسب است چون امت آماده فعالیت سیاسی و حزبی است و این آمادگی در برابر دوران و زمانه به برنامه امام در حرکت و دربرگرفتن و نرمش در برخورد خطرات و نیز پشت سر گذاردن موانع در چارچوب سیاست باز، قدرت بخشید که می تواند نوعی از خطر برای خط انقلاب و حکومت به شمار آید.

با وجود جدیت و ایستادگی که دشمنانش را با آن می ترساند، امام از یک قدرت برتر در تعامل با نرمش برخوردار بود و فرموده حضرت علی (ع): "آنچنان نرم مباش که فشرده ات کنند و نه خشک باش که شکسته شوی." و این همان معادله ای است که در طول زندگی بدان پایبند بود و برای اشخاص بعد از خود و مسئولان دولتی به عنوان برنامه ارثیه بر جای گذارد و در موضعگیریهای سیاسی آنچنان نرم نبود که دشمن بتواند وی را شکست دهد و همچنین خشک نبود که رویدادهایی بتوانند در یک مقطع زمانی مشخص، وی را ناکام کنند و هر دو موضعگیری در چارچوب مصالح عالیه مملکتی و وظایف بایسته قرار می گیرد که اگر جای نرمش داشت که همانا موقعیت شرعی است و در صورتی که نیازمند قدرت و سختی بود همان موضعگیری است که باید صورت می گرفت. در این زمینه دو مورد شاهد بر نرمش و شدت عمل وجود دارد که می توان به عنوان مثال مطرح کرد: نخست، موافقت امام با توقف جنگ تحمیلی رژیم صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران و تنش عصبی که این موافقت بدنبال داشت و هیچکس از رهبران جهان در جنگ هایشان نمی توانند چنین فشارهایی را متحمل شوند چون در واژه های آنان به معنی شکست می باشد و میهن آنها را با مشکلات و دشواری ها روبه رو می سازد بخصوص که توان رویارویی شخصی با ناراحتی و مشکلات را ندارند. امام (رض) جمله معروف و به یاد ماندنی دارد "جام زهر را سرکشیدم (۴)" و می توانست این جام را سرنکشد و بگذارد ایران با توطئه های استکبار و سرسپردگان آن روبه رو شود و ملت ایران غرق در دریای نابودی و خرابی گردد.

شاهد دیگر فتوای مشهور امام (رض) درباره سلمان رشدی است که با وجود تمامی مشکلات و توطئه هایی که در پشت سر او قرار گرفته بود بر آن اصرار ورزید و یک بسیج اسلامی را بوجود آورد که بوسیله آن تمامی احساسات مسلمانان را علیه اهانتی که مقدسات اسلامی را با آن روبه رو کرد، برانگیخت. در عمل آن فتوای جنجالی در جهان چنان موضعگیریها و فتوایی را برانگیخت که نمی توانیم آن را بازتاب تجاوز علیه مقدسات اسلامی بدانیم در حالیکه اعتماد بنفس امت را بدان بازگرداند و آن را برانگیخت تا موضعگیریهای مناسب با اینگونه تجاوزات را در پیش بگیرد و مسلمانان بیهوش بمانند و نتوانند واکنشی از خود نشان دهند و با وجود آن که مقدسات آنان را زندگیشان را تحت تأثیر قرار می دهد مورد حمله قرار داده بود.

در مکان های دیگری حضرت امام (رضوان الله علیه) به سخنان امیر المؤمنین حضرت علی (ع) تأکید دارد که فرموده است: "به خداوند سوگند که معاویه زیرک تر از من نمی باشد ولی او خیانتکار و فاجر است و اگر خیانت نزد من منفور نبود من خیانتکارترین انسانها بودم" و البته خیانت برای کسانی که طرفدار خیانت هستند و می

خواهند به ارزشهای اخلاقی انسانها که همان برنامه عرفان اخلاقی است در زندگیشان وفادار بمانند و همان برنامه تربیتی اهل بیت (ع) را ادامه دهند. وی می توانست کمترین را در اختیار آنان بگذارد تا استکبار از آن راضی باشد و در عوض، خود بیشترین را از آنها بدست آورد تا از خودگذشتگی ها دوری بجوید ولی وی در سخنانش از موضع مسئولیت در تربیت امت و دگرگونی بسیاری از نشانه های زندگی آن به حرکت در می آمد که از زمانهای گذشته آن را به ارث برده اند و در نتیجه عوامل خیانت و وفاء، درستی و نادرستی در آن مخلوط گردید. و از اینجا هرکس که در برابر روند تغییر و اصلاح نفس قد علم کند باید در نهایت دقت و ثبات در سخنان و رفتار خود باشد چون خود را در موضع پیروی کردن دیگران از او بخصوص امت از او قرار می دهد بدون این که هیچگونه آزمایشی در دوران پیروزی و قدرت صورت بگیرد. و امام (رض) نمی خواست در سخنانش مردم را در آنچه که باید در اختیار بگیرند و یا کنار بگذارند و آنچه که پذیرفتنی و ناپذیرفتنی است، با حیرت روبه رو کند. بخصوص که عامه مردم توان جدا سازی این موارد را ندارند.

۷- یکی از برجسته ترین صفاتی که قدرت رهبر باید بدان آراسته گردد همانا بیداری دقیق از تمامی ابعاد و جزئیات نبرد تمدن که موانعی را بر سر راه دستیابی به هدف را تشکیل می دهد و می توان تحت این تیتیر تمامی جملائی که حالت دشمن و هدفها و روشهای او و ابزار به کارگرفته اش در تحمیل خواسته اش بر دیگران را نمایان می کند و ضعف و سرازیری که یک نبرد قدرت می تواند از طریق انتقال جابه جا شود و نادانی درباره تمامی این آرمانها رهبر را وا می دارد بدون احساس و تصمیم گیری حرکت کند و نداند که چه باید کرد و چه نباید و چه باید مردم بدانند و یا ندانند.

امام خمینی (رض) در مرحله احساس به وجوب حمایت اسلام از خطر استکبار و حمایت مسلمانان از غارتگری و زورگویی، از درجه بالایی از بیداری سیاسی و دانستن واژه های نبرد در عمق استراتژیک آن که آنها را به حرکت درمی آورد و در مرحله ظاهری و قشری نبرد متوقف نشد و نبرد را به مواضع و ریشه های شایسته اش بازگرداند از جمله با شعارها اصول نبرد را زنده کرد که قرآن کریم آن را نبرد و کشمکش میان مستکبران و مستضعفان نامید. همچنین در روند بسیج کردن تمامی ارثیه های اسلامی در سطح معنی و تاریخ و تمرین برای مرحله رویارویی با موفقیت روبه رو شد. و نسبت به خطرات تهاجم استکبار و حجم نبرد و ابعاد آن در ارثیه های تاریخی و شرعی در روند پیشروی نیرویی نبود که خطرات چنین عملکردی را نداند. بلکه تا اندازه زیادی در مشخص کردن مرحله ای که می توان این روند و یا دیگری را بکار گیرد با توجه به این که بکارگیری آن در جای دیگر به معنی موفقیت این خط مشی نیست همچنانکه دربرگیرنده شکستهای بسیار و یا این که نبرد دیگری را آماده می سازد که رهبر مشخصات آن را نمی شناسد.

ناظران در برابر پدیده بیداری امام (رض) نسبت به بخشهای کشمکش تمدنها در ابعاد گوناگون در برابر این مردی که چیزی درباره اش نمی دانستند و همواره در حال سفر بود و در اینجا می توان مجموعه ای از فاکتورهای بیدار کننده ای که این بیداری را بوجود آورد مطرح کرد از جمله والایی در تفکر و وفاداری در برابر خداوند و ادامه راه برای پیروزی اسلام و کرنش و از خودگذشتگی و توجه نشان دادن به دین

و مسلمانان و احساس فاجعه ای نسبت به اوضاع فوق العاده ای نسبت آنچه که اسلام و مسلمانان با آن روبه رو هستند به گونه ای لایق آنچه که خداوند برایشان خواسته است.

و از اینجا در برابر مسئولیت خود درباره تمامی مسائل مسلمانان آماده بود و مسئله ایران فقط برایش از اهمیت برخوردار نبود و یا بر مسئله قدس و یا عراق برتری نداشت مگر با توجه به توانمندیهای خارجی خود. این توجه باعث شد افقهایی در برابرش گشوده شود و قدرت پیگیری را بر گرفته از تفکر و الهام گرفته از یک آزاد مرد آگاه به وقایع تاریخ و سنتها و نبرد و ابزارهایش به وجود آورد.

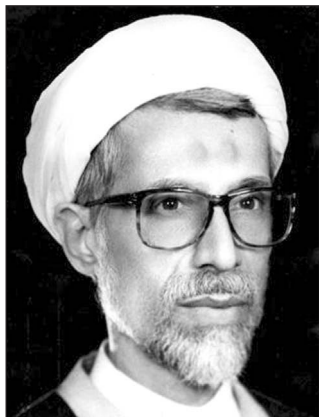
با پیگیری روند پیکار امام خمینی (رض) در می یابیم که وی یک بازبینی تاریخی از عوامل رشد و از میان رفتن تمدنهای پیشین را آموخت و از آن درسهایی گرفت که توانست به اندازه کافی از آن درسهایی بیاموزد. همچنین نمایان می شود که امام با اهمیت دادن به بعضی موضوعات در سخنرانی های خاص و عام خود نشان داد که وی تمدنها را پایه این مشکلات و فاجعه های جهانی می داند و نبرد کنونی از نبرد گذشته تفاوتی ندارد.

از اینجا در می یابیم که بسیاری از صفت های عملی تمدن در شخصیت امام نهفته بود که بوسیله آن توانست بیداری را منتشر کند و واقعیت های مربوط به تربیت امت را عنوان نماید چون مواد اصلی نبرد، سنگری است که می توان بوسیله آن حمله تمدنها را با شکست روبه رو کرد همچنین پذیرفتن نقد و درخواست از مسئولان در حکومت اسلامی برای پذیرفتن هرگونه نقد و به اجرا گذاردن آن بر اساس ضوابط اخلاقی و شرعی، در نتیجه ایران شاهد آزادی نقد و بیان از طریق مطبوعات همچنین اصل ساختن فرماندهان و معاونان را مورد توجه قرار داد که دارنده صفات تمدن بودند چون بطور جدی و مؤثر در روند موفقیت روند تمدن در زمینه های گوناگون دخالت داشتند و اینچنین مجموعه ای از بهترین مسئولان را پیرامون خود داشت و استکبار از آنها در ترس و واهمه بود و به همین علت سعی کرد با فعال کردن عوامل خود آنان را پاکسازی کند و این نشان می داد تا چه اندازه استکبار به خطورت آنها در آینده آگاه شده بودو مهمتر از آن این که امام خمینی (رض) رکن اساسی مسئله کشمکش تمدنها را بر اساس اندیشه و اصول قرار داد تا ارتباط میان این روند و آسمان با توجه به اشاره آیه قرآن کریم: "هرکس که راه مرا در پیش بگیرد گمراه نمی شود و رنج نمی بیند"(۸)، قوی و مستحکم باشد.

و سخنان امام که تشکیل یک حکومت را در پی داشت همچنان زمینه ای پربار برای تفکر و دقت کردن و نقد و بررسی می ماند که بحق نمونه ای از یک سخنرانی موفق است که می توان آن را در کنار سخنرانی های بزرگان رهبران جهان قرار داد که تحولات بزرگ جهان را آفریدند.

پانوشته ها:
(۱) از سخنان امام(ره) در برابر حجاج بیت الله الحرام سال ۱۴۰۰ هـ -جری (قمری)
(۲) از سخنان امام(ره) در نخستین کنفرانسی که درباره فلسطین در تهران برگزار شد. رمضان ۱۳۹۹ هجری (قمری)
(۳) پیام امام(ره) برای حجاج بیت الله الحرام در ۲/۱۷/۱۴۰۰ هجری (قمری)
(۴) از سخنرانی امام(ره) پس از اعلام توقف جنگ تحمیلی عراق بر ایران بر اساس قطعنامه ۵۹۸ (۸) فمّن اتبع هدای فلا یضل ولا یشتقی

تجلیل و بزرگداشت مرحوم حجت الاسلام والمسلمین «حسین ایرانی» در قم



فرماندهی سپاه استان های قم مرکزی و منطقه ۱ کشوری با حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل فعالیت های موثر و چشمگیری را انجام داد.

آن مرحوم پس از دفاع مقدس دو دوره متوالی افتخار نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی را به عهده داشت و پس از آن تا آخرین لحظات عمر در مسئولیت مدیرکلی تبلیغات اسلامی استان قم در عرصه تبلیغ و پاسداری از ارزش های انقلاب اسلامی لحظه ای کوتاهی ننمود.

برابر علم زانو زده اند و بر اساس رهنمودهای علما حرکت می کنند.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز با صدور اطلاعیه ای درگذشت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین ایرانی (ره) مدیر کل تبلیغات اسلامی قم را تسلیت گفت.

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین ایرانی در سال ۱۳۳۳ در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود و پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید صاحب نامی چون حضرات آیات فاضل لنکرانی حائری یزدی میرزا هاشم آملی میرزا جواد آقا تبریزی و مکارم شیرازی بهره مند شد.

آن فقیه سعید با درک صحیح از نهضت امام خمینی (ره) در مبارزه با رژیم سفاک پهلوی و پس از پیروزی انقلاب در تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی در این راه فروگذاری نکرد.

حجت الاسلام والمسلمین ایرانی در دوران دفاع مقدس در سمت

طلاب حوزه علمیه برخی از نمایندگان مجلس خبرگان رهبری جمعی از مسؤولان کشوری و استانی و اقشار مختلف مردم حضور داشتند و خاطره آن عالم جلیل القدر گرامی داشته شد.

در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین صدیقی به بیان گوشه هایی از زندگی و فعالیت های مرحوم ایرانی پرداخت و گفت: مرحوم ایرانی عالم متواضع و مجاهدی در عرصه تبلیغ و تعلیم بود وی از جانبازان شیمیایی دوران دفاع مقدس بود که خود را وقف نظام جمهوری اسلامی ایران کرده بود.

وی افزود: این بزرگوار روحانی در سنگر نظامی فرماندهی سپاه اسلام را برعهده داشت و حق فرماندهی را الحق ادا کرد.

صدیقی ادامه داد: مرحوم ایرانی نعمتی برای روحانیت سپاه پاسداران سازمان تبلیغات اسلامی مردم قم و نظام جمهوری اسلامی ایران بود.

وی خاطر نشان کرد: بهترین مسؤولان مسوولانی هستند که در

در این مراسم که مراجع عظام تقلید فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم مسئولان نهادها و دستگاههای دولتی و اقشار مختلف مردم قم حضور داشتند سخنران مراسم ویژگی های بارز این فرزند حوزه علمیه قم را بیان کرد.

نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران با اشاره به خدمات روحانیت شیعه در صد سال اخیر گفت: حوزه علمیه قم در تربیت نیروهای مومن و متعهد و کارآمد پیشگام بوده است.

وی فعالیت های مرحوم شیخ حسین ایرانی را در دوران دفاع مقدس و همچنین مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی ستود و گفت: خدمات آن مرحوم در عرصه های مختلف از آثار ماندگار و منشا خیر و برکات زیادی بود.

مراسم بزرگداشت مرحوم حجت الاسلام والمسلمین "حسین ایرانی" پنجشنبه شب (ششم فروردین ماه جاری) نیز در مسجد اعظم قم برگزار شد.

در این مراسم که حضرات آیات جوادی آملی امینی مصباح یزدی علما و

حجت الاسلام والمسلمین ایرانی مدیرکل تبلیغات اسلامی استان قم و نماینده اسبق قم در مجلس شورای اسلامی ظهر جمعه ۳۰ اسفند ماه ۱۳۸۷ در جوار حق آرام گرفت

مراسم تشییع و تدفین آن مرحوم عصر شنبه اول فروردین ماه ۸۷ با حضور علما فضلا اساتید طلاب مسئولین استانی و اقشار مختلف مردم استان قم برگزار شد.

مراسم تشییع حجت الاسلام والمسلمین ایرانی در میان حزن و اندوه تشییع کنندگان از مسجد امام حسن عسکری (ع) آغاز و پس از اقامه نماز توسط آیت الله خرازی در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) پیکر آن عالم وارسته در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد و در جوار حق آرام گرفت.

همچنین مراسم ترحیم و بزرگداشت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین ایرانی شنبه شب (اول فروردین) با حضور اقشار مختلف مردم در مسجد اعظم قم برگزار شد.

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت در گذشت روحانی مجاهد مرحوم حجت الاسلام ایرانی

ناپذیر را در همه ی شرایط و در همه سنگرها وقف خدا و مردم کرده اند.

رحمت خدا بر او باد.

سید علی خامنه ای

۳۰ اسفند ۱۳۸۷

عزیز نمونه ی از روحانیون با اخلاص و فداکاری بود که خود را با همه ی وجود در خدمت اسلام و انقلاب و آرمانهای والای آن قرار داده و زبان رسا و دل عطوف و جسم پر تلاش و خستگی

حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین ایرانی رحمه الله علیه را به بازماندگان گرامی و همه دوستان و ارادتمندان ایشان و به عموم مردم مومن و انقلابی قم تسلیت عرض می کنم. این روحانی

بگزارش پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری متن پیام به این شرح است:

بسمه تعالی

در گذشت روحانی مجاهد مرحوم

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی در گذشت روحانی مجاهد مرحوم حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین ایرانی رحمه الله علیه را تسلیت گفتند.

نگاهی اجمالی به

زندگینامه آیت الله شهید محمد باقر صدر

مطابق-ق با ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ هجری شمسی به دستور صدام حسین بود که این بار او را پس از دستگیری به همراه خواهرش بنت الهدی در تاریخ ۲۲ جمادی الاول به شهادت رساندند.

بعث

نشریه مرکز بررسبهای اسلامی

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر

زمانی که دکتر "محمد شوقی الفنجری" استاد اقتصاد دانشگاه قاهره به دیدار سیدمحمدباقر صدر در منزلش در نجف اشرف رفت از او پرسید که دانش آموخته در کدام یک از دانشگاه های جهان است ؟ سیدمحمدباقر پاسخ داد که در هیچ دانشگاهی تحصیل نکرده و تنها در مساجد نجف تحصیل کرده است. دکتر شوقی به وی گفت: حقا که مساجد نجف بهتر از دانشگاه های اروپاست. دکتر شوقی پس از بازگشت به قاهره به دکتر زکی نجیف محمود "پیشنهاد ترجمه کتاب های مبانی الاستقراء را به انگلیسی داد و کتاب های "فلسفتنا" و "اقتصادنا" را برای "روژه گارودی" فرستاد.

شهید صدر چهار بار توسط حزب بعث عراق بازداشت و دستگیر شد. در سال ۱۳۹۲ هجری قمری در حالی که در بیمارستان بستری بود و در سال ۱۳۹۷ بعد از مراسم اربعین حسینی و در سال ۱۳۹۹ به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بار چهارم در سال ۱۴۰۰ هجری قمری

اجتماعی به رشته تحریر در آورد که برخی از آنان عبارتند از: ۱- اقتصادنا ۲- الاسس المنطقیه لاستقراء ۱۳- الاسلام یقودالحیاه ۴- الایک الربوی فی الاسلام ۵- یحوت حول الولایه ۶- فلسفتنا ۷- العالم الجدید الاصول ۸- فک فی التاریخ ۹- بحوت حول المهدی (ع) ۱۰- الفتاوی الواضحه مطالعات و پژوهش های شگرف و عمیق او در مسائل کلان مثل هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، فلسفه تاریخ، ولایت، پاسخ گوی بسیاری از شبهات پژوهشگران می باشد.

نبوغ و استعداد درخشان شهید صدر همراه با مبارزات سیاسی اش در صحنه اجتماعی باعث گردید که دیدگاه های او که حاصل درک عمیق از مفاهیم دینی بود هنوز از تازگی و طراوت خاصی برخوردار باشد.

کتاب "اقتصاد ما" حاوی نظرات اقتصادی او بر مبانی فقهی اسلام بوده و این کتاب نخستین تلاش علمی برای استخراج و تدوین نظام اقتصادی اسلام از احکام شریعت است.

النشر) فرا گرفت و در همان دوران ابتدائی بر فراز منبری که در صحن کاظمین قرار داشت به ایراد خطبه می پرداخت او در ۱۲ سالگی برای گذراندن دوره عالی حوزه به نجف اشرف رفت و در محضر شیخ محمدرضا آل یاسین، آیت اله سید اسماعیل خوئی شاگردی نمود. او در سن ۱۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید و در سن ۲۵ سالگی تدریس خود را در دروس عالی برای دانش پژوهان حوزه آغاز کرد و از عالی ترین کرسی تدریس برخوردار گشت.

از شاگردان شهید صدر می توان از شهید "سیدمحمد باقر حکیم"، نورالدین اشکوری، "سید محمود هاشمی شاهرودی"، شیخ محمدرضا نعمانی، "سیدکاظم حسینی حائری"، "محمدعلی تسخیری"، شیخ "محمدباقر ایروانی" و بسیاری نام برد.

او در سال ۱۳۷۷ ه- ق حزب الدعوه الاسلامیه را تأسیس نمود. شهید صدر بیش از ۲۴ کتاب در زمینه های مختلف علوم دینی و



شهید آیت اله سیدمحمد باقر صدر در بیست و پنجم ذی القعدة سال ۱۳۵۳ هجری قمری مصادف با ۱۹۳۴ میلادی و ۱۳۱۳ هجری شمسی در شهر کاظمین بدنیا آمد. پدرش "سید حیدر صدر" از دانشمندان بزرگ شیعه عراق و مادرش دختر "عبدالحسین آل یاسین" از مردان برجسته علمی و مذهبی عراق بود.

شهید صدر در سه سالگی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی برادر بزرگ آیت اله "سیداسماعیل صدر" و دایی خود پرورش یافت. دروس ابتدائی خود را در مدرسه (منتدی